

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه  
 چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان در یازدهم  
 ربیع الاول جهت نظم و نسق بلوک قباایه با تجار رفیه عالیجاه  
 میرزا ولیخان را بجا این خود کفیل نظم و انضام شهر کرده بود  
 از قراریکه نوشته بودند عالیجاه مشارالیه در نظم امور  
 شهر کمال مراقبت و اهتمام بعمل آورده از هر کس ضلالت  
 قاعده و بی حسابی ناشی و صادر میشد در صد و بیست  
 آن برمی آمد است از جمله شخصی در آسیای بخج ابان  
 منزل گرفته بود که سارقین آنجا و بدستباری او  
 را بزنی میکردند و اکل و شرب سارقین از آن  
 شخص میبردند عالیجاه میرزا ولیخان بر اتمین اطلاع یافته  
 همان شخص را دستگیر کرده بود و مشارالیه نام و نشان  
 جمیع سارقین را بیان کرده بود عالیجاه مشارالیه  
 چند نفر سوار مامور کرده و فرستاده است که در آن  
 دستگیر نموده بیاورند

و همچنین نوشته بودند که مالی از منزل عالیجاه  
 صدرالدوله بربقت برده بودند در چهارم  
 ماه مزبور عالیجاه میرزا ولیخان داروغه و کدخدای  
 محله را حاضر کرده و گفته بودند که مال مسروق را حکما  
 از شما میخواهم نهانیز در صد و بعضی برآمده و سابق  
 با اسباب مسروق گرفته نیز عالیجاه مشارالیه  
 آورده بودند و اسباب عالیجاه صدرالدوله را  
 بعینها و بتجاها از سارق استرداد و پیشانی  
 رد کرده بود

یزد

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته بودند  
 محمد یوسف خان سرعقب نایب الحکومه دارالعباد  
 یزد در نظم امور شهر و گرفتن سارقین آنجا و متوجه  
 کردن عمل وزدی و صرفت تا کبد و اهتمام تمام  
 دارد و قدغن اکید درین باب بجالیجاه میرزا کوک  
 پیکار و داروغه و کدخدای این محلات نموده است تا نظارت  
 نوشته بودند که شب رفقه از دکان صرافان  
 کرده بودند و هر چه اسباب در دکان مزبور بوده است  
 بغیر از وجه نقد که در دکان بوده و صرفت مسراه  
 خود بخانه برده بوده است همه را سرقت کرده و در  
 بودند صبح آن شب صاحب دکان آمده بدو  
 عرض کرده بود عالیجاه میرزا کوک یک خان فرستاد  
 بود داروغه را آورده بودند سارق را از او حکما  
 خواسته بود چون سارق پیدانشه بود و از  
 داده بود که صرفت مزبور اموال خود را سپاه کرده  
 قیمت نماید بعد فرستاده و یک تومان اموال خود را  
 و قیمت نموده بود و وجه آنرا عالیجاه مشارالیه خود  
 نقد داده و او را روانه کرده بود بعد از آن دو شب  
 تومان از داروغه دانه نفر که خدایان محله هر  
 پنجاه تومان حسب حکم مقرب انخا خان محمد یوسف خان  
 التزام گرفته بود که تا بدست بیت روز محلت آنها  
 باشد که سارق را با اموال مسروق و قیامت  
 آورده حاضر نمایند و الا از عهده وجه التزامی که  
 داده اند برآید

۹۸۳

### اخبار دول خارجه

انگلیس درین روزها بعضی از کشتیها که بجزر منچستر  
 بودند بولایت انگلیس مراجعت کرده اند چون سالهای بود  
 که از ولایت انگلیس و بعضی دول دیگر فرنگستان کشتیها  
 بجزر منچستر میفرستادند که شاید راهی در آن دریای پهن  
 که از فرنگستان تا تارستان و چین بودند و لکن تا بحال  
 بسبب زیادتی سنجک کشتی از آنجا که بالای قطب شمال گزیده  
 عبور کرده بود تا در این اوقات خبر از کشتیها آمده است  
 که از دریای منچستر عبور کرده و بسبب مغرب امریکا  
 آمده اند چون بیشتر از دو سال است که کشتیها  
 پیدا کردن راه بان دریا میفرستادند حال که کشتی ارا  
 عبور کرده است جای فخر و مباهالت

### فرانسه

از جمله اخبارات که در روزنامه دولتی این ولایت نوشته  
 این است که بنا دارند چند فوج ارتش بازر را افواج منجران  
 نمایند مانند افواج پیشین مشهور که تفکشان شش  
 و هر یک یک شمشیر کوناد نیز دارند لباسشان را بطرح دیگر  
 میسازند و کلاهشان مانند کلاه قزاق روس است

درین روزها عمارت وزیر دول خارجه را در پارسیس  
 میگردند عظمیها که در آنجا کار میگردند در میان دیوار عمارت  
 صد و پنجاه هزار فرانک پول فرانسه که تخمینا پانزده هزار  
 تومان پول ایران باشد حبس بودند و پول را برداشته  
 که بخت اند جا کران دیوان بوقت آنها رفتند اند اما هنوز  
 آنها را دست نیامورده اند

ایضا در روزنامه دولتی این مملکت نوشته اند که سبب  
 و با قلا و ماش و غله و لویا و هر چه از قسم حیوانات باشد  
 قدغن شده است که از ولایت فرانسه بیرون نبرند  
 تا فصل تابستان سال آینده کندم و چون سال از این  
 فرانسه فرستاده اند و لکن سایر حیوانات از فرانسه بولایت  
 انگلیس می آید چون حالا قدغن شده است که این حیوانات  
 از فرانسه بیرون رود کمان دارند که جزئی تعاقب  
 قیمت بعضی از این بقولات و حیوانات در ولایت انگلیس

### بهم برسد

وزیر دول خارجه فرانسه درین اوقات کاغذی  
 و قولنامه های فرانسه بمقیم دول خارجه نوشته است  
 که از محل مفتدین فرانسه که فرار کرده و پناه به دول خارجه  
 برده اند مستحضر و خبردار باشند سخته ای که کمان دارند  
 درین روزها مقصدین با زبانی شورشی داشته باشند  
 و سه نفر ژنرال که اول از جمله جا کران معتبر فرانسه بودند  
 و حالا هر سه در ولایات خارجه میباشند کمان میکنند  
 که جناب برسم زدن دولت را داشته باشند و اسم  
 آنها لالارسیمر و شکر نیه و بدونت و از جمله معتبرین بودند

از جمله اشخاصی که درین روزها در فرانسه گرفته و محبوس  
 کرده اند که تحقیق علی آنها را نمایند یکی موسیو فودو بود  
 که در ایام جمهوری این دولت وزیر محاسبات بود  
 کاغذهای او جستجو کردند که بلکه چیزی پیدا نمایند که معلوم  
 بود که با فرارها که اخراج بلد شده اند بمسم مصلحت بوده است

یا نه چیزی نیافته بودند مگر اینکه معلوم شده بود که پول  
 بجهت این فراریها فرستاده بود و در فرستادن پول  
 خودش هم انکار ندارد و لکن گفته است که هر که خیال  
 خیانت بدولت نداشته ام و یکی نیز موسیویست  
 که در ایام جمهوری فرانسه و زردول خارج بود و منزل  
 او نیز جستجوی ریاض کرده اند و لکن چیزی پیدا نموده اند  
 و سخنانی دیگران هم آدم فرستاده اند حتی میان  
 و بالمش و رخت خواهارا کا ویده اند که شاید چیزی  
 در آنجا پنهان کرده باشند پیدا نمایند میگویند اگر  
 معصومین دولت را که حالا محبوس اند چند مدت دیگر  
 و التماس راجه امیر اطور فرانسه مستخلص خواهند کرد

دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند که امیر اطور فرانسه  
 روز چهارشنبه بنا داشتند که بولایت انگلیس بیدین پادشاه  
 انگلیس بروند و لکن هنوز معلوم نبود که چه وقت با  
 خواهند رفت

ایتالیا

مابین پادشاه ناپولی و امیر اطور فرانسه درین اوقات  
 اندک بروتنی حاصل شده است بسببیکه درین  
 روزها چند نفر از صاحب منصبان بزرگ فرانسه را  
 بمحکمت ساردینیه فرستاده بودند که تاشای مشی کلید  
 قشون آنجا را نمایند مشارالیم با آنجا رفته و قشون  
 و محبت از پادشاه ساردینیه و امنای دولت آنجا  
 دیده بودند و از آنجا بمحکمت ناپولی رفته بودند و لکن  
 ناپولی آنها را نگذاشته بودند که از کشتی بیرون  
 میروند

بروند بهمانه اینکه باید در کراختین با نند چونکه همیشه  
 که نگاه داشتن آنها در کراختین بی سبب و محض عذر و بهانه  
 و تا مدتی که کراختین آنها تمام بشود مشق بکلیه قشون که در  
 جمع کرده اند تمام بشود و قشون را مرض می کنند صاحب  
 مزبور در آنجا مانده و بولایت فرانسه را محبت کرده  
 امیر اطور فرانسه ازین مرحله بسیار تجدید است و با محبت  
 که در ناپولی میباشند حکم نوشته است که از امنای دولت  
 ناپولی عذر خواهی این مغایرت را در خواست نماید که  
 عذر خواهی کنند و اگر عذر خواهی نکردند ایلیچی فرانسه  
 نماید

در روزنامه آن سمت مملکت ایتالیا که در دست  
 استریاست نوشته اند که امنای دولت خبر داده  
 بعضی از مفسدین اهل اولایت بارزبنای آسوب در آنجا  
 داشتند مردم ریاض گرفته و محبوس کرده بودند و  
 چاکران دیوان بسیار سی و وقت داشتند که بقیه  
 مفسدین را بدست بیاورند و از آن سمت مملکت ایتالیا  
 که در دست پاپاست نوشته اند که غله باز در آنجا  
 رقی کرده بود خصوصاً در شهر فارسی و روتنه و در آنجا  
 هم چیزی افشاشن بجز کراخی غله شده بود

پورتو قال

این دولت یک بلکان و دوازده هزار فرانک که  
 تخمیناً دو کرد و دوست هزار تومان پول ایران باشد  
 از تجار فرانسه و غیره بجهت ساختن راه آهن در مملکت  
 فرض کرده اند و لکن آنها که سر رشته ازین عملها دارند  
 میگویند که معلوم نیست که راه افتادن راه آهن در اولایت

۹۸۵

منفعت بکذبانه  
احوال است مفرقه

چند وقت پیش ازین دولت سبکی دنیای شمای  
کشتیهاست ملک میان که چنان نیز مینامند  
درین روزها خبر از آنها آمده است که با نولایت  
بودند و سر کرده کشتیهای مزبور با سهصد چهارصد  
در آنجا بیره ن آمده بود که برود اعطای نام خود را باین  
آن دولت بدید اهل بیان رسیدند بودند که اهل  
سبکی دنیای جنگ داشته باشند چهار پنج  
هزار نفر شون بیرون آوردند و در مقابل این سهصد  
چهارصد نفر گذاشتند از طرفین توشش کرده بودند  
که مباد ایسکه بگریخت نمایند و لکن جنگ در میان  
نشده بود و اهل آنجا گفته بودند که ایچی در فصل بهار  
آینده بیاید جواب نامه خود را بگیرد و ایچی با جمعی که  
همراه خود داشت بر کشتی بکشتی خود آمد و بعد از آن  
چند نفر از انمای دولت میان بالای کشتیها آمده و  
مکان ایچی مزبور شده بودند اهل آن جزیره که کشتی  
بخار را دیده بودند بسیار توشش کردند و نقد بودند  
که کشتی بخار در وقتی که باد مخالف و آب رور و تند  
جاری باشد چگونه راه میرود مدتی است قریب  
سال که سیاح با نولایت زرقه است و لکن از غزای  
معلوم میشود درین دولت سال اهل این ولایت نه ترقی  
کرده اند و نه تنزل بهمان احوال که بودند هستند اگر صلاح  
حسب آنها نیزه است و تیر و کمان دولت سهصد

۹۸۶

فتیله در میان آنها دیده بودند و سی قبضه تفنگ چاقی  
سبکی زنهای آنجا را که دیده بودند خوشگل نبوده  
و لکن لطافت داشته اند و بطوری که بنظر می آمده  
با عصمت بوده اند

در خصوص جمعیت مملکت چین درین روزها اخبار  
نوشته اند که جمعیت خود ولایت چین نزدیک سیصد  
هشتاد و هشت میان است و در ممالک تابع چین که  
چند منقول و پنجمی تا تارستان و مملکت بت میباشد  
چهل میان جمعیت میداند که کلاً چهار صد میان جنس  
عبارت است از هشتصد که در باشد در زیر حکومت یک  
پادشاه است و حساب کرده اند که در هر فرسخ مربع  
بیشتر از هزار نفر خلق است و فتولی که دارند از جمله قاضی  
و در عین دو کرو و دولت و سی دود هزار نفرند  
این حساب از نوشتهجات و محاسبات خود دولت  
چین نوشته شده است اکثر خلق آنجا در نزدیکی رودخانه  
سکنی دارند زنهایشان بچهار می آورند و از اجته  
مکان دارند که روز بروز جمعیت آنجا زیاد تر شود

در خصوص پیدا کردن تاج و اسباب سلطنت مملکت  
که در روزهای سابق نوشته شد درین روزها  
باین منوال نوشته اند که قاعده امپراطورهای استریه  
این است که اول در شهر بوده یا شهر است جلوس کرده  
و تاج سلطنت مملکت مجار را بر میگذازند چو که در وقت  
جلوس امپراطور استریه تاج و سایر اسباب سلطنت  
مملکت مجار منعقد بود امپراطور استریه بطور سلاطین سابق

استریه نتوانست جلوس نماید وقتی که کار مجاریها که  
 با امپراتور استریه جنگ میکردند که خود را دولتی جداگانه  
 نمایند خشوشر کردید و سود و سه نفر دیگر این تاج و  
 سلطنت مجاری را بر دست و شهر شهر فرار میکردند و آنها را  
 همراه خود میبردند و اینر حله تا وقتی که فرار بجای رسیدند  
 عثمانیه رسیدند معلوم فتون استریه کردید بعد کمان  
 که این تاج و اسباب را پیش از خود بولایت عثمانیه  
 فرستاده باشند یا همراه خود برده باشند  
 از تحقیق زیاد فهمیدند که سود و آن سه نفر دیگر که این تاج  
 و اسباب در نزد آنها بود بیل و کلنگ خریده بودند  
 اما چونکه رستان آینده آن سال بسیار سخت شده  
 برف چند وقت در زمین ماند بعد از آب شدن برف  
 اثر کردن زمین و رانجاء نمانده بود با هم چاکران  
 استریه دست نمکشیده بودند و در آن اطراف جستجوی  
 زیاد میکردند و در نزدیکی رودخانه دلوب جانی بود  
 که شاخه درختهای آنجا بریده شده بود بطوری که معلوم  
 بود که بجهتشان بریده شده است نه بجهت میزرم یا چیزی  
 و در نزدیکی آنجا یک سته کلنگ و یک انگشتری طلا پیدا کردند  
 و ازین معلوم شد که کانی که رعیت نموده اند و از حلقه  
 بوده اند در آنجا زمین را کنده اند بعد از جستجوی زیاد  
 تاج و اسباب سلطنت مجاری را در آنجا پیدا کرده  
 بودند در تاج مزبور پنجاه و سه قطعه یا قوت بود و پنجاه  
 قطعه یا قوت سرخ و صد بیت و شت دانه مرورارید  
 و مسکه بند که این تاج را یکی از قیاصه مردم بجهت حکمران  
 آن ایام مجاری فرستاده بود اهل مملکت مجاری بسیار  
 مشت

این تاج را نگاه میدارند و در وقتی که این تاج بدست  
 بزرگ که به جمهور به مجاری افتاده بود در حضور خلق یکی از جوانان  
 که تاج و اسباب سلطنت را استخویل جمهور به داده بود گفته بود  
 که این تاج مقدس را بشما میدهم و پنجاه پادشاه  
 باین تاج جلوس کرده اند اهل دولت جمهوریه چونکه مشت  
 پادشاهان را منظور نمیداشتند کلاه از سر برداشتن  
 و لکن خلق صدالبند کردند که کلاه بردارید و لابد شد  
 تاج مزبور همراه را برهنه کردند  
 در مملکت مصر عباس پاشا حکمران آنجا حکم کرده بود  
 که امسال بیشتر از متنا و هزار حردار غله از آنجا سنجاج  
 ببرد و سبب این حکم این است که احتیاط کرده است که  
 مبارک امسال غله در مملکت مصر کم یاب شود  
 بعضی اوقات در شهر پاریس گوشت بسیار گران میشود  
 و دو سبب دارد یکی اینکه دیوانیان توجیه از گوشت  
 در دروازه میکینند و دیگر اینکه قضا بهادر شهر پاریس  
 با هم مشق و هم عهد میشوند و در میان خودشان نرخ  
 میکند از گوشت را از آن نرخ کمتر نقر و شدند حال  
 دیوانیان اذن داده اند که گوشت را در بعضی جایها  
 بطور هراج بفروشند پارچه پارچه می بند و هر پارچه را  
 بطور هراج میفروشند و این مرحله سبب سودگی خلق شده  
 از جزیره رودس نوشته اند که در زمان دریای آن سمت با زیریا  
 شد بودند کشتی تجاری را باخت غارت میکردند خصوصاً نزدیکی  
 بجزیره رودس و جزایر ساموس و جزایر یونان  
 آن سمت

۹۸۷

روزنامه قایم انفا و تاسخ یوم شنبه بیستم ماه صفر الحی بنظر سال او دین ۱۲۷۰

نزد صد و چهل و شش

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه در هر یک

یک سطر چهار سطر یک سطر

هفتاد و چهار

بیشتر با هر سطر



احبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه بیستم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بجهت و تفریح سوار شد و به بیرون شهر تشریف بردند و تا نزد یک عصر بفرج اطراف دارالخلافه مبارکه مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب مبارکه مبارکه سلطانی و مفر سلطنت عظمی به حجت فرمودند

و نظر باطنیان تازه که متصل در این باب به توسط معین دارالخلافه میرسد دولت علیه محض ابراز ذلیل نامه از مراتب صفا و صداقت خود نسبت بدولت متعالیه و سبب رفیع بعضی تصورات بی معنی که در روزنامه های یورپ مشاهده میشود بر اوضاع سابق سعادت خود بهیچوجه سخا به افزود و حکامان باحوال خویش آرزوی کدایت ازین حسن اعتقاد و از این اعتماد بی نهایت

از بدو نزاع دولتین روس و عثمانی دولت علیه ایران همیشه فقط و طالب صلح بین الدولتین العلیین بودند اکنون نیز سبب گدیز بعضی شهرت های بی اصل و بجهت سبب بی عرضی و بی طرفی خود با الصراحت اعلام نماید که بهیچوجه در هیچ موقع در نزاع دولتین بنفیس عثمانی و روسی داخله نخواهد کرد اگر چه شریط خرم و مرسم سلطنت مقتضی این بود که دولت علیه ایران بواسطه مدارک کاتب غیر معهوده سعادت خود را بیش از سایر اوقات مستعد سازد ولی نظر بخاطر جسمی که از صداقت حسن عقیدت دول هموار است باین دولت و باالی این ملکات

که دولت علیه ایران در حق دول متحابه اظهار رعایت واضح و معلوم است که این دولت نسبت بهیچیک از دول هموار عرضی ندارد و هرگز بهیچ امری که موجب تشکیک سبب بخشیشان شود اقدام نخواهد کرد و امیرالامرا عزیز خان اجدان باشی و سردار کل نیز بموجب حکم دولتی بعد از آنکه ملاحظه اجمالی از سعادت متخوی معاول و از انظار داخله حدود و اطنیان حاصل کرد بزودی ابدار السلطنه نیز برخواید که چون معطلی سردار را در سعادت سببی و جتنی باقی نیست مقرر خواهد شد که اگر کار نظم داخله صد و دو نظم قشون آذربایجان که مستعد



بجال رسیدگی آنها بعلت ناخوشی و بانث بانام برسد  
نائب عید نوروز و رسم در پستان هایون علیحضرت  
شاهشاهی حاضراید

چون خدمات عالیجاه حکیم کازیک حکیم باشی آذربایجان  
در نظر اقدس هایون علیحضرت پادشاهی مقبول و حسن  
افتاده لهند درین اوقات یک قطعه نشان سیرکی خدمت  
از مرتبه اول بعالیجاه پشار الیه حجت کردید که آویزه پیکر  
مفاحرت و مہارات خود نموده بد لکرمی مشغول خدمت  
محولہ بچود باشد و این اوقات از دربار هایون اذن  
مرخصی حاصل فرمود که با آذربایجان رفته بخدمات محولہ  
بچود مشغول باشد

چون خدمات عالیجاه حبیب صاحب مباشر روزنامه  
و ترجم دیوان در نظر اولیای دولت علیہ مقبول و حسن  
افتاده خاصه در اوقات ناخوشی و با که اغلب مردم فرار  
کرده و بیسیلا فات رفته بودند پشار الیه محض مشرف  
خدمت محولہ بچود در دار الخلا و مبارکه مانده و کار روزنامه  
براه برده نگذاشت که عیالجات روزنامه متفرق شوند  
درین اوقات از جانب سنی ایچوانب ملوکانه بطاقت  
ترمه کشمیری برسم حلف بعالیجاه پشار الیه حجت کردید

و رسم چنین سرز عبداله روزنامه نویس چون در  
محولہ بچود بود یک طاقه شال کرمانی نیز پشار الیه حلفت  
مرحمت کردید

چون عالیجاه حاجی بابا پیر مرحوم آقا حسین ملک التجا  
با دگوبه از فرار تصدیق کار پردازان که مأموران صفحہ

بوده اند در حسن مراقبت خدمتگذاری و استقام در لوازم  
مجت نسبت بوار دین آنولایت که از جانب این دولت  
علیہ ماموری شده اند نهایت سعی را معمول داشته اند  
لہذا خدمات مشار الیہ در نظر اولیای دولت علیہ حسن  
این روزها از جانب سنی ایچوانب ملوکانه یک قطعه  
شیر و خورشید از مرتبه دوم سیرکی با فرمان  
مبارک بجهت افتخار او شرف صدور یافته ارسال کردید

از فرار حکمی که از اولیای دولت علیہ صادر شده است  
فوج از افواج آذربایجان احضار بدر بارکایون شده  
که نائب عید در دار الخلا و حضور بسم رسانند و رسیدگی  
کامل بشق و نظم افواج مذکورہ بشود و بانظر که منظور  
هایون است در اداب مشق کامل مستعد باشند

کپستان زحلی صاحب منصب مهندس دولتی سرتیگر  
چند وقت بود که لوکر این دولت علیہ بود در در حجب  
این ماه وفات یافت چون فوت شدن مشار الیہ  
ناگاہ بود و مرض او امتدادی نکشید و از آنجا که اعلیحضرت  
پادشاهی نسبت بعجوم خدمتکاران خاصه آنها که از  
ولایات بعیدہ بعزم خدمتگذاری این دولت علیہ  
کمال تقصد ملوکانه را مبذول دارند لہذا مقرر فرمودند که کل  
اطبای فرنگستان که در دار الخلا مقیمند بروند و تشخیص  
که بچه علت فوت شده و از فراریکه اطبا فہیدہ بودند از آنجا  
ذغال باقیاتی که در وجود او بوده خفصه شده بود و موافق  
قاعدہ کہ اطبای فرنگستان دارند استمشا و نوشته

۹۸۹

کتابخانه ملی ایران

خط گذاشتند و بعد از آن حسب الامر مایون بقاعده نظام  
با کمال اعزاز و احترام اور در قبرستان کلیسای ارمنیه  
محل دروازه قزوین دفن نمودند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند چون  
امسال علت افت سن خوارکی اختلال و پریستانی باحوال  
رعایای بلوک لنجان ردی داد بود عالیجاه چراغعلی  
نایب الحکومه اصفهان با اتفاق عالیجان ابوالقاسم خان  
سربینک فوج دماوندی و میرزا قاسم خان سربینک  
فوج فیروزکوهی و میرزا حسن دیوان بسکی به بلوک مزبور  
رفته و باحوال رعایای آنجا رسیدگی کامل نموده و آنها را  
بعواطف این دولت قوی شوکت علیهمید واری و کفای  
داده و ضبط و نسو سال نو آنجا را با عالیجاه میرزا فضل  
ضابط آنجا و اگر کرده و خود بشهرم اجبت نموده اند و  
عالیجاه میرزا فضل الله کمال رفتار و حسن سلوک را با  
رعایای آنجا ملوک وارد

مونسیر چارلوطا معلم علم معاون که نزدیک بیک ماه  
بود که ناخوشش بود و نوبت غش داشت درین روزها توفیق  
شد حسب حکم مایون بقاعده نظام اور را نیز با کمال  
احترام در همان قبرستان کلیسای ارمنیه دفن کردند

چون عالیجاه قاسم خان صاحب در خدمات محکمه  
نهایت اهتمام بعمل آورده و خدمات او منظور نظر اولیای  
دولت علیه گردیده مواری یک قطعه نشان سربینک از  
مرتب اول با نظام یک رشته حمایل سفید و یک توبه  
جبه زرد کرمانی اعطای از جانب شیخ ابوالکلام در حق او  
مرحمت و غایت شده

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند آن  
اردوی لوآب مستطاب شایزاده و الاتباحام رسیدن  
مخراسان خبر رسیده بود که لوآب مغزی الیه قشون مامور  
روان کرده اند و خودن هم نظر بکمال اهتمامی که در خدمات دیوان  
اعلی دارند قریب یک منزل قشون پادشاه امیر امثالیکه  
تشریف برده اند و بعد خودمرا حبت کرده جمعی از سواران  
متوقف رکاب را حکم کرده بود که تا سه خرس همراه قشون  
باشند بعد معاد و دست نمایند و بعد از آنکه قشون مامور بیک  
دو منزل از آق در بند گذار شده بودند جمعیت کلی از ترکمانان  
خرس با استقبال آمده نهایت خدمتگذاری را نسبت  
بقشون پادشاهی بجز آورده اند

هوای دارالخلافه طهران تا چند روز قبل بکمال ملایمت و خوشی  
سبکشت مانند ایام بهار حتی در بعضی باغات گلهای  
رکس و نیش و غیره شکفته بود تا شب دوشنبه شانزدهم  
این ماه باریش زیاد آمده و روز دوشنبه نیز متصل ببار  
و در کوه شمیران بسم برف آمده تا نصف کوه سفید شده  
و صبح روز جمعه ابتدای باریدن برف در دارالخلافه و  
اطراف آن شد و از آن روز تا بحال اغلب اوقات  
برف باریده است که حالا یکجا ریک برف در زمین است  
و هوای شدت برودت بهم رسانده و آبها یخ بسته است  
بطوری که کم اتفاق افتاده بود که هوای دارالخلافه و اطراف آن

باین سردی بشود

سایر ولایات



### اجبار و ول خارج

استریه در یکی از روزنامه های ویتنامی تحت  
این مملکت نوشته اند که پول کاغذی که دیوان قرار داد  
که بدست خلق بدهد پنجایلیان فلان است که  
تحتینشت کرد پول ایران باشد صد و چهل میان  
فلان کاغذ در دست خلق بوده و ده میان دیگر هنوز  
خلق نداده بودند در این اوقات بازنچ میان او را  
بخلق داده اند بسبب آنکه درین روزها اخراجات دیوان  
زیاد شده بود و یک خرج زیادشان بجهت اردوی <sup>مظفر</sup>  
بود که قشون زیاد در آنجا جمع کرده بودند مالیات هم  
هزار از زراعت کاران گرفته بودند و چندین سبب دیگر  
بجهت زیاد شدن مخارج دیوان بود و لکن وزیر سخا  
کمان مسکرت که این پنج میان دیگر پول کاغذ را لاره نشود که  
بدست خلق بدهد زیرا که کم کردن قشون اخراجات دولت  
کم کرده بودند و مالیات دیوان هم بعد از بوشش <sup>سید</sup>  
حاصل امسال عاید دیوان می شد

### ایتالیایا

در روزنامه ماه صفرو لایت ایتالیا نوشته بودند که باز  
در بعضی جایهای ایتالیای سبب گرانی غله میان خلق  
اعتناش شده بود از جمله در شهر طرین پای تحت مملکت  
ساردینیه خلق در کوه جمع شده بودند و میخواستند  
و اخذ آن مملکت خلاف حرمت حرکت نمایند اعیان  
شهر نیز جمع شده و باید دولت دوزیری <sup>میگفتند</sup>  
که خلق بی سبب این افتاد را می کنند نظام در آوردند  
کنده استند که شوب زیاد بشود غله که از خارج ایتالیای

می آوردند خبری کم کرد داشت این کم کرد را حالا بدهند  
که غله و آذوقه فراوان بشود  
احوال است مفرقه

از فرار روزنامه انگلیس که تاریخ آن در ماه محرم بود  
غله در آنجا جزئی ترقی داشت و خرداری دو هزار  
زیادتر از قیمت سابق بفروش میرسید و لکن در آن  
روزها غله زیاد بلذک آورده بودند در انبارهای لندن  
هیچ ده هزار خردار کندم و نه هزار خردار اردکنم و ده  
که بفروشند و اگر اردکنم از شهر نیویارک یکی دنیا  
شمالی آمده بود و یک سبب دیگر در ترقی غله این مرعه  
میدانست که فصل پائیز سال در ولایت انگلیس و در  
سمت شمال فرانستان بارندگی زیاد شده بود و بطوریکه  
زراعت کاران نتوانستند بوزند که کندم پائیزه را  
بکارند

درین روزها ما بین صاحبان کارخانها و معادن و غیره  
با عملجات خودشان در ولایت انگلیس بحث و گفتگوی زیاد  
شده بود و عملجات مزد خودشان را زیادتر از فرار  
سابق میخواهند و صاحبان کارخانها و معادن و غیره  
مزد زیاد که عملها میخواهند نمیدهند در شهر <sup>استان</sup> که  
یکی از شهرهای بزرگ ولایت انگلیس می باشد کارخانها  
پنبه کتفا خوابیده بود و بقدرسی هزار عملجات این کارخانها  
بکار مانده بودند کارمیکردند که صاحبان کارخانها  
مزد آنها را زیاد نمایند و صاحبان کارخانها نیز زیادتر  
از آنچه سابق معمول بود نمیدادند بجهت آنها همین طور  
و در شهر <sup>وین</sup> که معادن آهن و ذغال سنگی و کارخانها

پنبه ریباد دارد مابین صاحبان کارخانها و عملجات  
مانند شهرستان این بحث و گفتگو در میان است  
که درین شهر اعتشاشی نیز درین خصوص شده است چند نفر  
عملجات از جاهای دیگر آمده بودند که بهمان قرار سابق که  
صاحبان کارخانها اجرت میدادند کار میکردند عملهای  
باین مرحله راضی نشده و بنای جنگ و سرودت شکستن  
عملهای تازه را گذاشته و سنگ بدر و چرخه کارخانها  
انداختند و چند درو چرخه نیز شکستند تا نظام بیرون آید  
و اعتشاش را خاموش نموده از دحام آنها را متوقف  
کردند

در مملکت انگلیس در سراسر ددانی نذر ریاد می بندند  
از جمله درین روزها شخصی از آن قسم است که اسب و  
می کنند خرید و بوده است تومان پول ایران در  
گذاشت و بعد از سوکان اسب ددانی کرده در اندک  
بیت هزار پول که تخمینا چهل و پنجاه تومان پول ایران باشد  
برده بود و ازین پول یک هزار تومان سجا یک سوارانعام داد

هر سال است شمال فرنگستان کشتیها جبر پنجه پنجه  
ماهی گیری میروند خصوصا از مملکت انگلیس و مانند دنیارک  
و غیره و شکار ماهی بزرگ می کنند پنجه ریش که در چرخ  
مصرف مینمایند که شته از تسویش طوفان ایجاد شود  
جنگ این ماهیهای بزرگ که گاهی چنان بزورق میزنند که  
زورق می شکند و کشتیها که در زورق هستند غرق می  
تسویسهای دیگر نیز وارد از جمله در روزنامه پانیرسال  
نوشته اند که کشتیها که چرخه رفته بودند طوفان ریباد

در آن صفحات دیده بودند و سخ که در فصل تابستان  
می شود که روی دریا کشوده کرده کشتیها بنکار ماهی  
اسال جنبی که کشتیها در دریا بودند آب دوباره زودتر  
از سالهای گذشته پنج سبه بود و بعضی از کشتیها در  
سبخ مانده بودند چونکه اگر رود از سبخ خلاص نشوند باید در  
رستان آنها بمانند و تسویش ملاکت دارند و لکن موافق  
جز آنکه بولایت انگلیس است کشتیها همه از سبخ خلاص  
شده و بولایت انگلیس می آمده اند

در باب مردمان وحشی که در بعضی جاهای روی زمین  
پیدا میشوند در روزنامه های انگلیس که روزنامه اطلس  
نوشته اند که مردمان وحشی که زراعت نمی کنند و خورا  
از هر چیزی است که خورد و بعل می اینقسم بقسم اندکی  
استر ای که نباتات خود روی اولایت بقدری میس که  
کفایت خوراک دائمی آنها را نماید بعضی اوقات کر سکنی  
ریاد می کنند که از کر سکنی تلف میشوند یکی هم از قبیل  
اهل جزایر خط استوا هستند که حاصل زمین آنها بطور  
کم اتفاق می افتد که از کر سکنی تلف میشوند و لکن چونکه

حاصل زمین آنها بی قیمت بعل می آید همین قدر است که بکنند  
و بخورند مردمان بی کفایت و بی غیرت هستند یکی هم  
قدیم مملکت مسکی و سنای شمالی هستند که مملکتان زمین  
سخت است و از جمله ماکولات که از زمین برودید در آنجا  
بسیار کم است و اکثر خوراک آنها از گوشت حیوانات است  
که شکار می کنند و طعامی که از نباتات روئیدنی باشد  
بسیار کم میخورند و در آنجا کم یاب است و اینها مانند سباع  
ورنده میباشند و فهم و ادراکشان چندان از حیوانات

فرق ندارد پس از هر جهت معلوم است که خداوند عالم  
نفت و برکت و کز آن را بکشش و سعی باز و وارد  
و اگر بنی آدم مانند حیوانات محاسن نماید فهم و ادراک  
نیز مانند حیوانات خواهد بود

ابلیس در ساختن مروارید و لعل آوردن آن اختراع  
کردند که بسیار غریب بنظمی آید مایه صدف را در وقت  
که زنده است میگیرند و در مکانی که دو صدف از هم  
کشوده میشود چیزی از قسم پاره آجر و سنگ بسیار  
یا پاره آهن در میانش میگذارد چونکه اینها با هم  
میدهند و میتوانند که بیرون بکند بعد از چند وقت در این  
پاره آجر یا سنگ یا پاره آهن بطور مرواریدی بند حتی  
شکل کوکب نیز ساخته و میان صدف گذاشته اند بعد از  
چند وقت مروارید شده است و چند دانه از این صدفها  
که در میانشان از این قسم مروارید داشت بملکت بنگال  
آورده اند

در روزنامه فرانسه نوشته اند که کشتی بخارا تازه برآ  
انداخته اند که مابین شهر مسکو و شهر سیبری رود و  
و بسیار زیاده است بطوری که راه مابین شهرهای مریخ را در  
پنج روز طی کرده بود و در برحمت از شهر مسکو رسیدند که در  
ملک سینه پاشا میگردد

در روزنامه استرلینگ هم ملکت اند نوشته اند که شخصی  
علام سیاه در ملکت برآریل الماسی بسته بود بسیار که آنها  
که ایلی ملکت اند مقیم برآریل الماس مریخ را بهشتا و  
هزار تومان پول ایران خریده بود

در روزنامه ملکت نارتوی نوشته بودند که در بعضی از

شهرهای آن است بود کم مانده بود که تمام بشود از جمله  
شهر استاکهوم درین و با چهار هزار و چهار صد و معابد  
ازین ناخوشی گرفته بودند و دو هزار و ششصد و سیصد  
مرده بودند و یک هزار و ششصد و پنجاه و هفت نفر خوب  
بودند و صدوسی و سه نفر باز ناخوش بودند جمیع  
این شهر تخمیناً صد و بیست هزار نفر خلق میباشند

در باب قاعده نگارداشتن غلام و کنیز سیاه در  
کوبه دولت انگلیس بدولت اسپانول تکلف کرده اند  
این قاعده را رفته رفته بتدریج موقوف نمایند و بنا  
که سیاهها را که از مغرب زمین آنجا می آورند بعد از  
سال آزاد نمایند بعضی از اهل مسکی دنیای شمالی که قانون  
نگارداشتن غلام و کنیز سیاه در میانشان متداول است  
ممانعت این عمل را می کنند زیرا که می ترسند که اگر آزاد  
و رجز برآوردند قوه قرار گیرد کار و دولت خودشان معیوس  
و نگارداشتن غلام و کنیز در آنجا موقوف باشد درین  
مخصوص ایلی مسکی دنیای شمالی که ملکت اسپانول نقل  
با انهای آن دولت گفتگو خواهد کرد

در روزنامه بنگلور هندوستان نوشته بودند که یکی از  
صاحب منصبان انگلیس کبوهایی نیگیلی بشکار رفته بود  
در شکارگاه نهار میخورد که خبر آوردند که فیل درین نزدیکی  
است آن شخص رفته بیست تیر فیل انداخت و لکن فیل این  
تیرها نیفا و د حمله بشکارچی آورده باور رسید و او را بخیر علوم  
گرفته بر زمین رزده بعد از آن بزر دست و پای خود در

خورد نمود

انالی بعضی از شهرهای انگلیس عریضه بلار و پارستس و زیر  
 و اخلاذ انولایت نوشته بودند که یک روزی را بجهت روز  
 و عبادت و پریش معین نماید که در آن روز مردم بلو انعام  
 سپردارند که خداوند عالم بکده بلیه و بار از ولایت انگلیس زرع  
 لار و پارستس خود را درین مطلب و خیل نکرد و لکن در بعضی  
 شهرها خود انالی اینجا در میان خودشان روزی را بجهت  
 و عبادت و پریش معین کرده اند

درین اوقات کشتی از فلک انگلیس باستر الیا میرفت  
 چلیک بار و ط در میانش بود وقتی که نزدیک با نولایت رسید  
 ناگاه کشتی مزورانش گرفت این کشتی چون میدستند که بار  
 در میان کشتی است خود را بجهت زور قها انداخته فرار کردند  
 بعد از آنکه مدتی انش بیار و ط افتاده و کشتی را پارچه پارچه  
 کرد کشتی دیگر که در آن نزدیک بود آمده اهل کشتی سوخته  
 صاحب آن کشتی از زور قها در آورده بمیان کشتی خود جای  
 داده و سلامت بساحل رساند

رئی در فلک فرانس بطور غریب دیوانه شده است  
 کرده بود که القدر گناه کرده است که اگر نخواهد از انش آخر  
 خلاصی یا بد ممکن نخواهد بود مگر اینکه خود را در انش دنیا بسوزاند  
 چند بار خواسته بود که خودش را بسوزاند مردم مانع شدند  
 مگذاشته بودند تا وقتی که کسی در نزد او نبود مجال کرده بود  
 که نام در آن می چسند میز خنک ربا در میان آن بخت  
 و انش زده بیانش فرشته بود وقتی که نیم سوخته شده بود  
 مردم خبردار شده آمدند و او را از میان انش در آوردند  
 اما بعد از آنکه مدت فوت شد

در روزنامه یکی و بنیاد مخصوص برب زرد نوشته اند که در

که در یکی از قصبه های سمت نیوار لیا سنس که چهار هزار نفر  
 داشت هزار و ششصد نفر ازین ناخوشی گرفته بودند و چهار  
 نفر مرده بودند و این کمال شدت این ناخوشی است در قصبه برب

در جنگهای سمت جنوب امریکای شمالی بعضی اوقات انش  
 می افتد درین روزها انش افتاده و یک ولایت را بجای  
 بود و جنگ و فی زار و خانه های اهل آن سوخته همه در میان انش  
 سوخته بود و در بعضی راههای آهن که در آن ولایت ساخته اند  
 تردد ممکن نشده بود بجهت زیادتی انش و افتادن درختها  
 و سوختن آنها

ایضا در یکی از روزنامه های این ولایت نوشته اند که جناب  
 غریبی در باب مقصرین که بجهت تحصیل مجوس هینا نه کرده اند  
 چونکه بعضی اوقات ازین مقصرین می گریختند و پست آوردن  
 شکل بود و قرار داده اند که بزرگ مجوس خانها را نکند سیاه  
 بشتن پاک نشود بدماغ مقصرین باله که اگر بگریزند با  
 نشان آنها را بتوان پیدا کرد و این رنگ را بیل غشود  
 مگر بترسج نامت سی چهل روز و قرار گذاشته اند که  
 بعد از آنکه دست مجوسی هر یک ازین مقصرین نزدیک  
 یا تمام شده دیگر دماغ او را سیاه نگند تا بترسج بزرگ  
 اصلی خود معاودت نماید

در روزنامه مند و ستان نوشته اند که کلان دستند  
 از گرفتن مر و ارید مالیات زیاد عاید دیوان بشود زیرا که  
 بسیار مردم مشغول این کار بودند و این مالیات که ازین مردم  
 میگیرند قرار گذاشته اند که خرج ساختن راهها و سایر  
 آبادی ولایت نماید

شخصی در شهر باستان بشکلی و نیایک فروختی ساخته  
که جای دو آرزو هزاره و از بوزن است عباسی با کبر  
دارد و گویا کشتی باین بزرگی تا این روزها ساخته  
شده باشد

شخصی از طایفه انگلیس حصری نوشته است در خصوص  
دوستی و نوشتن است که دوستی مانند کاسه حسنی  
بسیار اعلی است اگر از شدت گرمی یا ضرب یا قضا یا  
اتفاقه بتر که دیگر مصرف ندارد و شکن آن بهتر است  
و هر چه این ظرف خوش کلمه و لطیف تر باشد تمیز کردن  
آن مشکل است سنگهای بی قیمت معارفی اگر شکسته شود  
بوی میوه آن چنانند و لکن سنگهای جواهر آلات را  
دیگر هم نمیتوان چنانند

شخصی در حرکت انگلیس زنبور عسل بسیار نگاه داشته بود و دید  
که زنبور بار و زبیر و زکتری شوند و سبب از این است  
چونکه معلوم بود که چیزی میان سبد زنبور زفته بود چونکه  
بسیار کم شده و هم صرف کرده بودند آنها را سردا  
بعد دید که سبدهای دیگر نیز زنبورشان کم میشود بنا  
کشیک کشیدن گذاشت و چند شب و روز مراقب بود  
که شاید سبب کم شدن زنبور را بفهمد تا آخر  
یک غوک سیاه نزدیک سبد زنبور را دید او را گرفت  
و کشت در شکم او است عدد زنبور عسل پیدا کرده بود  
و در نزدیک سبدها غوکهای دیگر حسبه بود همه را کشته  
و دیگر زنبور را کم شده بود

ساز کاخچه در فغانستان بعضی اوقات قیمت زیاد  
دارد خصوصاً اگر کمان باشد چونکه از خوب میت زنده

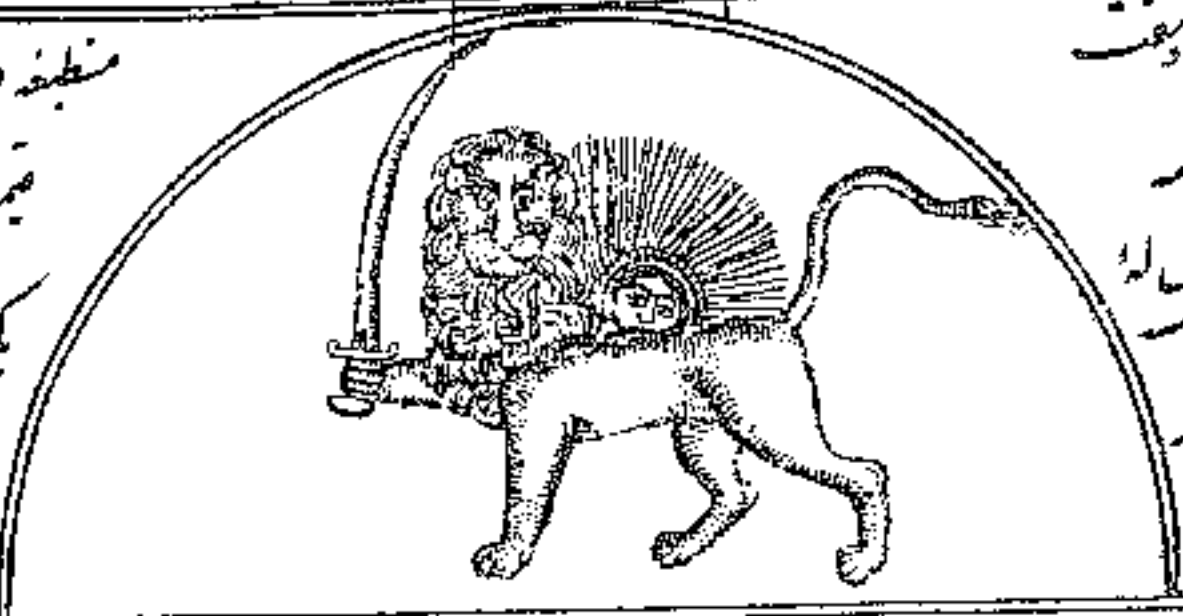
گفته تر باشد بهتر است درین روزها شخصی ازین کاخچهها  
بزرگ قدیم داشت که از کسی که مرده بود با دارت رسیده  
بود تا یک روز کسی که سر رشته این ساز داشت این  
کاخچه را دید بخانه خود برد و زده بر روی او کشید و لوخت  
فهمید که از کاخچههای قدیم است و قیمت زیاد دارد حال  
قیمت او را بد و هزار تومان رسانده اند که پول میدهد  
و صاحبش نمیرد و شد و این کاخچه مال موسی و وید است  
از اهل فرانسه که در علم موزیکان مشهور است و این مطلب را  
در روزنامه فرانس چاپ زده اند

دیگر در روزنامه فرانسه نوشته اند که قشون بحری و  
فرانسه که در لنگرگاه شهر بوزغ بودند حکم شده بود که  
محیط اطلس یک حرکت نمایند اما بجهت وزیدن باد مخالف  
چند روز بود که معطل بودند و لکن جمیع تدارکات آنها تمام  
بود که هر وقت باید مراد بود در راه شوند

انواع تدبیرات در زمان در عمل سرعت مشهور است از جمله  
نوشته اند که درین اوقات در فرانسه دسته از زردان  
چند کجشک در قفس کرده بدکان شخصی که اسباب تخمه  
در دکان خود چیده بود رفته و در قفس را در آنجا گذاشته  
بودند و کجشکها از قفس پرده آمده بدکان میوزم  
گردیده بودند و زردان به بهانه اینکه کجشکها را جمع نمایند  
بطاری و چابک دستی هر چه بستان آمده بود سر وقت  
کرده بودند تا آخر صاحب دکان فهمیده و نظام ضعیف را  
که پولیس می نامند خبردار کرده و آنها را گرفته و محبس کرده  
و بعد از تحقیق بسیاری ازین طرار را گرفته و محبس  
دیوانی محبس کرده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم خرداد ماه چهارم جمادی الاول مطابق سال اول ۱۲۷۰

نزد صد و پنجاه هفت  
قیمت روزنامه  
یک ششده سکه  
و نان چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر اجاره سطر  
بسیار بهر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه بمقدور شد که شهبان پادشاهی  
عزیزت بفرج و شکار در شان پید فرموده سوار شده  
و تا حوالي عصر در آن اطراف بفرج و شکار مشغول بود  
و نزدیک بغروب با قناب مبارک که سلطانی  
و مقرب خلاق عظمی ملاحظه فرمودند  
از فراری که بعضی اولیای دولت علیه رسید بعضی  
از رفیقین بدو استخوان مبارک از برای تحقیق و عوررسی  
و اجرای حکم بعد تقاعد و استسکاف دارند و بجهت  
ملاحظه احترام و اعتباری که در وجود خود ینمایند که  
حوزه ایشانند که با طرف مدعی در دیوانه مبارک که حاضر  
نقود و بعد از تحقیق و عوررسی حکم بعدل جاری کرده  
و بگفته اند که احترام و اعتبار آن اشخاص منوط به  
اطاعت حکم اولیای دولت علیه است و دیوانه ایشان  
مکانی است که احکام دولتی در آنجا جاری میگردد و  
حکایت از الفاظ مبارک که اعلیحضرت شاهنشاهی ینمایند  
باینکه درین تاریخ حکم هالیون چنین شرف صد دریافت

که اگر سن بعد مقربو استخوان نایب الصدر و میرزا زمان  
سایر امنای دیوانه مبارک که کسی را اعم از اعلی و  
دوانی حتی شاهزادگان احضار بدیوانه مبارک که  
و آن شخص بگفته اند و تقاعد و استسکافی از او ملاحظه شود  
او تا ده عشر وجه ادعائی را که مدعی بر آن شخص وارد حکم  
از او گرفته در دیوانه مبارک منسبط نمایند که بهر طور  
مصرف که لازم شود برسد تا آنجا که آن شخص را که تقاعد  
اطاعت حکم کرده و ابروی خود را برده است طوعا و کرها  
اگر چه بقباحت باشد بدیوانه مبارک که حاضر خواهند  
کرد که بعد از عوررسی حکم عدالت را در باره او جاری  
و حسب الامر مقرر گردید که یک عدد پرده موشچ تمثال  
هالیون در دیوانه مبارک منسوب گردد و پرده در دیوانه  
آن حایل شود که هر وقت امنای دیوانه مبارک حضور  
بهم رسانند و مدعی و مدعی علیه نیز حاضر شوند و تحقیق  
سند بخواهند حکم عدالت را جاری سازند آن پرده را  
از روی تمثال هالیون برکنار دارند و در حضور تمثال  
که مکتبی از وجود هالیون است حکم عدالت جاری شود



بعضی اشخاص بیایه میانه نوکر بایب دیوانی ملاحظه شود  
 که باطنین موافق که از دیوان اعلی دارند میروند و از  
 تجار و تبعه دول خارجیه و بی و چهار سادی بود  
 خودشان بلکه بیشتر کاری می کنند موعده که مقتضی شود  
 صاحب طلب در کمال ابرام مطالب پول خود یا با صراحت  
 حبس آن شخص درخواست نماید و نظر بمصاحبه این عهد  
 و ملاحظه اتحاد و یکسانی فیما بین دولت علیه ایران و دول متجا  
 لازم می آید که غایت سعی در وصول مطالبات آنها  
 اگر ممکن الوصول نباشد باید آنها را حبس نمود و بالمره  
 و شان دولت را از اعتبار انداخت و علاوه نوکر  
 و صاحب منصب دولت را ضایع و بی آبرو نمود که  
 مقر آید که احدی از نوکر بایب زیاده از دو تومان و چهار  
 بابت دول خارجیه کاری نماید که اگر من بعد ملاحظه  
 که با کسی نسبت کاری کرده است اولاً تنگ ببرد و  
 این دولت محسوس نشود ثانیاً آن نوکر علی الفور از نوکر  
 معزول شود زیرا که حبس و قید نوکرهای دیوانی خلاف  
 شان دولت و مایه بدنامی است اما تجار و کسبه  
 سایر رعایای این دولت که سمت نوکری دیوان را دارند  
 ازین عمل حکم مستثنی خواهند بود هر قدر و با هر کس که میخوا  
 نسبت کاری و معامله نمایند و اولیای دولت علیه ایران  
 زیاد خوشحال هستند که برادری و موافقت خود را بفرود

چاپ روزن آن میباشند و انشاء الله تا عید نوروز  
 از چاپ خانه بیرون می آید و چون در نهایت تحقیق و تدقیق  
 نوشته شده است امید است که بسیار بکار اهل دیار  
 این دولت علیه بیاید  
 چنانکه در مقدمه گذشته نوشته شده است درین روز  
 هوای دارالخلافه طهران نهایت پرودت را بهم رسانده است  
 بطوریکه کمتر سالها هوای طهران باین طور سرد شده بود  
 اگر چه در اطراف دارالخلافه چندان برقی نیست و لکن از فرا  
 تقریر چاپاران و مترددین در راهها برفت زیاد است  
 باینکه از بعضی بلوکات و سایر ولایات بسبب این  
 برف و بسته شدن راهها آذوقه و ماکولات و غیره بطهران  
 کم می آید و لکن از حسن مراقبت و تدبیر رسیدگی امنای دولت  
 علیه در ماکولات و غیره چندان ترقی بهم رسیده است  
 و همه چیز فراوان و ارزان است  
 چون درین اوقات سبجه بارندگی و برف و سرما افواج  
 قاهره را متحد و رست که همه روزه مثل سابق مشوق باشند  
 لهذا هر که دکان و صاحب منصبان نظام هر روز با نظام  
 نظام حاضر میشوند و اولیای دولت را عفت از رسیدگی  
 با نظام امر آنهاست  
 چون زمستان امسال هوای دارالخلافه طهران بدست  
 و هر کس را که اعلیحضرت شاهی مخصوصاً خرقه رحمت  
 باشد قرار نیست که بتواند خرقه پوشد و بسلام حضور  
 نمایون حاضر شود لهذا محض کمال رحمت و انکساف طو کات  
 نسبت بنواب شاهراده و الاشیار و زمین دین میرزا فرات  
 بکتوب خرقه زم زمه خرقه طبعوسین مبارک را رحمت و عطف

۹۹۷

فرمودند که ما ذون پوشیدن خرقه باشند

چون امیرزاده عبدالباقی میرزا پسر نواب شاهرزاده و اب  
مؤید الدوله طهارت میرزا حکم آن فارس در غیاب  
نواب معزی الیه در مراقبت امور شهریار کمال اتمام  
نموده مراتب حسن خدمت و فطریات و شایستگی  
امیرزاده معزی الیه در خاکپای مبارک زیاده  
در قبول افتاد لهذا خلعت مرطلعت و فرمان هایون  
القبالت امیر بافتخار امیرزاده معزی الیه صادر و در

فرمودند

بمالیجاه ملا اکرم مستوفی هرات که از قبل سید محمد خان  
ظهور الدوله حاکم هرات چند کس اسب بسم پیشکش  
صورت هایون اعلی حضرت پادشاهی آورده بودند و از  
شده عریضه حضور هایون را با اسبهای پیشکشی رساند  
و خودش شرفیاب خاکپای مبارک شده مورد  
لوازش و حرمت ملوکانه کرد

### سایر ولایات

از ریایجان از قرار یک در روزنامه این ولایت  
نوشته بودند امیر الامراء العظام سه دار کل و دو فوج  
ناصریه و بهادران را مرخص خانه نموده و قرار داده است  
که مدارکات لازم خود را دیده و بنیاد آماده باشند که  
اگر در ثمانی حکم احضار آنها پس معطلی در مدارکات  
خود داشته باشند

دیگر نوشته بودند که ضعیف سارق از اگر ادو محمد  
دستگیر شد که از خانهای مردم مس و سبب و سبب  
مخلفات بسیار در دیده بود کیفیت بعضی نواب شاهرزاده

والا تبار حشمت الدوله رسیده حکم کردند که ضعیف  
مربور را با اسبها مسروق بدرب خان آورده در ظاهر  
که داشتند و صاحبان اموال باستخار که خدای محله  
هر یک آمد نشان اسباب و اموال خود را داده باز  
نمودند و بعضی از ان اسباب نیز هنوز باقی است تا  
صاحبان آنها نیز آمد نشان مال خود را داده بگیرند  
بعد از آن حکم آن سارق را بفرمایند

### فارس

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند قاضی  
منبر را پو شهر شیراز می آمده اند قلیل خواهی از آنها در  
راه مسرفت کرده بودند و سارق بر اهل قافله مستحق نمود  
مراتب بعضی نواب مؤید الدوله رسیده حکم نمودند و  
محصل گماشتند که نخواهد مسروق را با سارق از امان  
سامان که مسرفت شده است امانی آن سامان حکما  
محصل و با شرفین آن سامان بعد از تقصیر و سبب سرف  
در دو و نخواهد را در قریه دار بجان من محالی بلوک سبب کرد  
بودند و حاصل با سبب رفته بود اهل اینجا خیر کی کرده و در  
قرار داده بودند مراتب در ثمانی بعضی نواب مؤید الدوله  
رسیده حکم نمودند که سر باز برود و آن معصومین سبب  
نماید که دیگر بعد از این کسی در اینجا مرگب اینگونه جرات  
نشد و با در زده همدستی و شراکت نکند

دیگر نوشته بودند که خوانین و ضعیف و شتابان  
کله دار درین اوقات خدمت نواب شاهرزاده مؤید الدوله  
شرفیاب گردیده مورد القات شدند

اصفهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب  
 عبدالله خان صارم الدوله که با فوج حب الامره یونان  
 خدمت فارس بود در ورود باصفهان عالیجاه چرخان  
 نایب الحکومه اصفهان لوازم استقبال و احترام از مقرب  
 مشارالیه و سرایان او بعل آورده و سبب استادام  
 توقف آنها را در اصفهان کارسازی نموده و علاوه بر  
 سیاحت از خود نیز تعارف و مخارجی نموده و کمال حد  
 بعل آورده است

دیگر نوشته بودند که افواج دیواندنی و سیروز کوهی  
 اصفهان در نهایت نظم حرکت نمایند و سرنگان  
 آنها کمال مراقبت و مواظبت در مشق و انتظام امر آنها دارند  
 و هر روزه در میدان نقش جهان اصفهان آنها را حاضر  
 کرده مشق میدهند و بسیار کم و بندرت خلافت  
 قاعده ازین رد فوج سرسبزند و اگر احیاناً از یکی  
 آنها خلل و سانی سرزده باشد فوراً سرنگ او  
 در مقام تحقیق و مواظده برآید و او را توبیه کامل نظام  
 میکنند و ازین رکن رسم عالیجاه چرخان  
 نایب الحکومه و مسم عمده مالی اصفهان متمایر  
 از حسن سلوک و رفتار آنها دارند

خلیج

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب  
 شاهزاده عباسعلی میرزا حاکم اسخا در نظم امور  
 آن ولایت و آسودگی رعایای اسخا و انتظام امور  
 و شوارع و رفاه حال عابرین و مترددین کمال برآید

دارد از جمله نوشته بودند که علیه صفا نامی مکاری  
 خدمت نواب معزی لهیه آمد و عرض نموده بود که  
 مبلغی از نقد و حسنین سمره داشتیم در راه پاره  
 از اکراد بر سر من ریخته و مرا تحت کرده اموال مرا برده  
 نواب معزی لهیه نیز بعد از اطلاع بر این محسوس فوراً  
 چند نفر آدم تعیین کرده فرستادند و آنها رفتند و  
 پیدا کرده و گرفتند با اموال سرود و بعضیها نیز در  
 معزی لهیه آوردند اموال مشارالیه را تمام کمال  
 از سارقین گرفته بخودش رد کردند و بعد از آن  
 سارقین را توبیه کامل بجز نمودند که بعد ازین  
 مرکب معرفت و راهزنی نشوند و عابرین و مترددین  
 از آن راهها بفرات و آسودگی بی تشویش و زرد  
 قطاع الطریق عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته بودند که چند یوم قبل ازین از هر طرف  
 از اطراف خلیج سیلهای زیاد برخاسته بود  
 چون ایام رستان بود و عبور و مرور آمد و رفت  
 نبوده و معابر عالی بوده است لهذا یکی سبب  
 و اذیتی نرسیده بوده است که یک طفل نرسیده  
 که در حوالی رودخانه قزل اوزن بوده است سیل  
 او را برد و خانه انداخته و پیش کرده تا نیم فرسخ  
 برده در حوالی دهی که موسوم بزره است بکنار  
 انداخته بود که آنها هم زنده بوده است  
 از معالجه خوب گردیده و الان صحیح و سالم است  
 و عیب و نقیصه نگردید

### خراسان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند قتل  
 مأموره بز و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد و در  
 که از آن در بند گذشته بود جمعیت کلی از ترکمانان سر  
 با استقبال آمده و نهایت خدمتگاری را بقشون پادشاه  
 بعل آورده بودند از جمله پسر اراض خان و پسر خوش  
 و رحمن قلی بیک و سفک که از معارف که خوش  
 هستند سواره خود را برداشته همه جا همراه آورد  
 بوده اند و در احوال نظم و خوبی از سر حسن  
 گذرانیده اند و همه جا از میان مال دایم سر حسن  
 میرفته اند و احدی متعرض کسی نبوده است ترکمانان  
 سر حسن بسیار خوشوقت بوده اند و زیاده از حد  
 کرده اند و دولت نرسوار ترکمان سر حسن تا مرز  
 همراه آورد و کمال خدمت گذاری نمودند  
 دیگر نوشته بودند که درین اوقات قافله زیاد از  
 و کرمان دارد ارض اندس شده اند و از اغلب  
 منازل عرض راه زیاده از حد تعریف و التماس خوش  
 میکرده اند و قافله کلی هم از بهرت وارد شده است  
 و چنین قافله زیاد هم از سر حسن آمده و مذکور داشته  
 بودند که این روزها قافله از بخارا نیز خواهند آمد  
 راه بیابند  
 دیگر نوشته بودند ترکمانان طرینی که چند قبیل  
 آدم عالیجاه سلیمانخان دره خیزی باقی در بندند  
 نواب هزاره و الاستیاسام سلطه والی خراسان

رفته بودند در ۲۹ ربیع الاول و اوداق در بند شده  
 خدمت نواب معزی ایبه رسیده بودند نواب شاهزاده  
 حکلی بجایگاه میرزا موسی نوشته بودند که بعد از ورود  
 بشهر از جانب نواب معزی ایبه فراخور هر یک خلعت  
 و اخراجات آنها را هم بدهد عالیجاه مشارالیه  
 و در حق یکی یک طاقه شال کرمانی و در حق دیگری یک شوب  
 جیه کرمانی و سایرین هر یک یک شوب خیمه ماهوت  
 داده و اخراجات آنها را نیز تقرر کرد نواب معزی ایبه  
 حکم کرده بودند رسانده بود  
 از قرار یک نوشته بودند عالیجاه میرزا موسی مستوفی  
 پیشکار خراسان در غیاب نواب شاهزاده کمال براف  
 و اهتمام و نظم شهر دارد و از هر کس خلاف قاعده  
 و بیجا بی صادر شود بجز حکم نواب شاهزاده و از وی  
 که از نواب معزی ایبه دارد در مقام رفع آن بر می آید  
 و در نظم قراول خانها نهایت اهتمام را دارد از جمله  
 قدغن کرده است که طبله را در ساخت چهار بزنند  
 بعد از آن هر کس عبور و مرور کند اگر از محترمین و معتبرین  
 باشد و فائوس داشته باشد متعرض نشوند و اگر از اجهال  
 و او باش باشد تخریب و نکند  
 دیگر نوشته بودند جماعت قصابان قیمت گوشت را زیاده از  
 معمول بوده است کران کرده بودند عالیجاه میرزا موسی  
 قدغن کرده بود که زیاده از قیمت معمول سابق نفره شدند و از  
 که خدای قصابان که این عمل را محض منفعت خود کرده بود  
 عیب کامل بعل آورده و از جمیع قصابان التزام گرفته بود که  
 بعد ازین گوشت را کران نفره شدند

احوال است مفرقه

از جمله اعتقاد غریب در باب ستاره و بناله دار که چند  
 وقت پیش ازین پیدا شده در روزنامه سینکی در  
 نوشته اند که بقدر پانصد نفر از غلام کهنه سیاه  
 در آنجا جمع شده بودند و اعتقادشان این بود که این  
 ستاره او ضاع کرده زمین را برسم میزند و زمین را  
 بالمره خراب می کند و آنها که در وقت بر سر سحر و کی-  
 ازین ستاره مشغول عبادت باشند جنها و دفعه  
 داخل بشت خواهند شد و آنها که مشغول عبادت  
 همراه کرده زمین خواهند سوخت چونکه این اشخاص جمع  
 بودند و قیل و قال زیاد میکردند چاکران دیوان  
 رفتند و شصت نفر از آنها را گرفتند باقی که بقیه  
 کردند و آن شصت نفر را گرفته بودند تیسه نمودند

از جمله داخل عهد و مملکت انگلیس معادن و غالی سنگی است  
 درین اوقات جمعیتی که راه این ساخته اند معادن  
 و غالی سنگی را از یکی از خوانین آنجا ببلع صد و  
 تومان پول ایران اجاره کرده اند

در مملکت استیریه بخلاف اکثر ممالک فرنگستان  
 و رسال که نسبت حاصل غله فراوان آید بود حتی از  
 دیوان اذن داده بودند که از بعضی سرحدات آنجا غله  
 بخارج اگر بفرستند کسی مانع نشود

اسب دوانی که سابقا در ولایت فرانس متداول  
 درین احوال مانند ولایت انگلیس کم کم متداول گردیده است  
 و یکی از خوانین آنجا که اسبهای پر دو برای اسب  
 داشت درین روزنامه اسبهای اورا بقیعت اعلی خریدند

یکی از آن اسبها را بیست و پنج هزار فرانک که چهار هزار و پانصد  
 تومان پول ایران باشد فرختند است و اسبی دیگر را  
 بیسی و یک هزار و صد فرانک که سه هزار و صد و ده تومان  
 پول ایران باشد فرختند است و اسبهای دیگر را نیز  
 که مانند این دو اسب مشهور بودند با بقیعت اعلی خریدند

در روزنامه سینکی دنیا نوشته اند که کاسته نام شخصی از  
 فراریهای مجاز که در خصوص او مابین دولتمن استرلیه  
 بینکی و نیای شمالی کشوری شده بود درین اوقات در  
 راه بود که دو باره بینکی و نیای شمالی برود مردم  
 شهر باستان بینکی و نیای شمالی پیاده شده که در  
 ورود شخص مزبور جمع شد و در اینصفت

ایضا در روزنامه مزبور نوشته اند که در جای دیگر یکی دنیا  
 تازه با طلا پیدا شده است مردم وحشی آن ولایت این  
 طلا را پیدا کرده اند و نفیسه اند که چند قیمت دارد و این  
 طلا بجهت نقکمای خود کلک و رختیم بودند درین اوقات  
 یک نفر سیاح با آنجا رفته و دیده بود حال بنا دارند که او  
 با آنجا رفته اند تا میند که این طلا را جمع میکنند و در آن  
 معدن نقره و مس نیز پیدا کرده اند

در اکثر ممالک فرنگستان طایفه جهود نیستند و ممالک  
 و در ولایت صاحب اطلاق بشوند اما در بعضی ممالک  
 تا چند وقت پیش ازین این اذن را داشتند بعد موافق  
 شد حال جهودان ولایت عربی بامیر اطور استرلیه  
 که اذن با آنها داده شود که مانند سایر رعایای ولایت  
 اطلاق بخزند و بفرستند و لکن هنوز جواب عربی آنها از

۱۵۸

امپراطور استریم داده نشد

شخصی در مملکت فرانسه بطوریکه با داشتن چند وسیله  
و ازین قبیل چیزها را اختراع کرده و در روزها  
چاپ زده است که بلکه بکار زراعت کاران بیاید بعد  
در آوردن چند ریاضیه دیگر از آن قسم خاکستر نیز  
زمین میریزد و بالای او چند می چسبند و بالای آن  
خاکستر میریزد و بالای آن باز چند می چسبند تا بالای  
باز خاکستر میریزد چون خاکستر رطوبت را برمی  
این طور را از برای نگاه داشتن اینگونه محصولات بهتر  
همه دانسته است

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است در مملکت  
سجده کم آمدن غله در آن ولایت و بعضی ممالک آن اطراف  
کمان محظوظ باشند و جزئی آفتابش در بعضی از بلوکا  
انولایت هم شده بود اما حال حسن تدبیر امنای  
اند و ملت خلق ازین تشویش بیرون آمده اند ملت غلج  
سال در ولایت فرانسه کتر آمده بود تا بحال از غله  
با ولایت آورده اند و در بعضی از روزها می این ولایت  
هم می نویسند که امسال نصف غله در فرانسه کم  
بود و از خارج آورده اند و لکن چونکه غله چیز است که در  
اوقات کرائی آنها که دارند سخت نگاه میدارند که بقیمت  
گران بفرودشند تا غله زیاد و فرادان نشود انبار داران  
انبار خود را می کشایند و می فروشند حال در بعضی بلوکا  
انبار داران انبارهای خود را کثوره اند و می فروشند  
و غله بسیار متزل کرده است و در بعضی بلوکات که تا این  
روز تا یک خرد از غله بجهت خریدن پیدائی شده حال فرادان

۱۰۰۲

و بسیاری ازین غله را از نیکی و نیای شمالی آورده اند  
خصوصاً از شهر نیویارک

مملکت سوئیس چونکه کومستان است جای زراعت کم  
دارد اکثر جاهای آنجا علف چران است و حیوانات  
از قسم گاو و کوسف در آنجا زیاد دارند درین روزها  
از جانب دولت فرانسه حکم شده است که حیوانات  
مربور بی کرک داخل ولایت فرانسه نشود

از قرار یکی از روزها می نیویارک مسکی دنیا که نوشته  
هفت سال پیش ازین از غله وارد و از هر قسم حیوانات  
که مان از او بخت می شود در یک سال پنجاه و پنج گور  
سحاب پول ایران جنس از آن شهر فروخته شده بود  
و در سال گذشته صد و بیست گور غله تنها از آن  
شهر فروخته شده بود زیاد شدن تجارت مرزها  
چندین سبب میداند چونکه دولت جمهوری امریکای  
شمالی تازه آباد شده است هر سال مردم زیاد از  
فرانستان با آنجا میروند و اکثرشان مشغول زراعت  
می شوند از آنجهت غله در سایر آذوقه که در آنجا بعل می آید  
سال بسال زیاد تر میشود سبب دیگر هم این است  
که امسال چونکه در فرانستان غله کم آمده بود از ممالک دیگر  
غله با ولایت که حاصلش کم آمده بود آوردند خصوصاً  
از شهر نیویارک مسکی و نیای شمالی که بجهت کشتی است  
از بعضی از ممالک دیگر است که غله از آنجا می آورند  
انگلیس و غیره می آورند

دولت انگلیس بر حسب عهدنامه که با سایر دول حرکت  
دارند امسال کشتیها نسبت مغرب مملکت کتای افریقا



میفرستند که با نفع تجارت غلام و کثیر از آنجا تا اینجا  
 بشوند و از آنکه جایهای آن صفحات موقوف کرده اند  
 کرد در جایی که لاقوس میماند در آنجا بزرگ سیاهها  
 انولایت با انگلیسها عهدنامه داشت و این تجارت را  
 موقوف کرده بود کسی دیگر که در آن سمت بود چون تجارت  
 مزبور منفعت زیاد داشت حکم آن لاقوس را بیرون کرد  
 و خود بنای فروختن و بیرون رفتن آن غلام و کثیر سیاه  
 گذاشته بود قشون سحری انگلیس که در آن سمتها بودند  
 حمایت بکنند آن لاقوس نموده و او را دو باره بکنند  
 لاقوس برقرار کردند و نامدتی فروختن غلام و کثیر موقوف  
 شد و تجارت زیاد در رنیه و روغن درختی که در انولایت  
 بعمل می آید که در عوض کرده مصرف می کنند و فلفل و ادویه  
 آلات و نیل و سایر محصولات انولایت داشتند  
 روزی بعضی از سیاههای آنجا میخواستند دوباره  
 تجارت غلام و کثیر را برقرار نمایند و لکن قشون سحری  
 انگلیس حکم آن لاقوس را محاطت کردند و مکنند  
 از قوا حساب رنج غلام که در روزنامه لندن نوشته اند  
 در ماه صفر پانزده گشته غلام در لندن ترقی داشت کدم  
 در آنوقت تخمیناً حدوداری شش تومان و دو هزار بود و در  
 آنروز نام او هزار مسم طلا و شده بود و سبب این ترقی  
 چندین چیزی گفتند یکی این بود که کدم بجهت مملکت فرانسه  
 از انگلیس میخرید به سبب دیگر مسم این بود که لویساد  
 با شش و خط که اکثر اوقات از فرانسه با انگلیس می آورد  
 در این اوقات قدغن شده بود که از مملکت فرانسه بیرون  
 نبرد سبب منسبتی مسم ترقی داشت چونکه سبب منسبتی

اعلانات

کتابهای چاپی دار انجمن طهرانی که در کارخانه حاج  
 عبدالمجید با سعه چی در محله نزدیک دروازه دولا ب  
 الطباع شده از ایتم فرود شده شود

- ۱۰۰۰ قرآن مجید اعلی دو تومان
- ۱۰۰۰ قرآن مجید وسط یک تومان
- ۱۰۰۰ قرآن مجید ارزان سه هزار
- ۱۰۰۰ کتاب شرح کبیر دو جلد شش تومان
- ۱۰۰۰ کتاب تفسیر صافی یک جلد دو تومان
- ۱۰۰۰ کتاب شرح لمحه یک جلد سه تومان
- ۱۰۰۰ کتاب قوانین یک جلد دو تومان
- ۱۰۰۰ کتاب شرح الزیاده یک جلد سه تومان
- ۱۰۰۰ کتاب تفسیر پانزده هزار
- ۱۰۰۰ فردوسی چهار تومان و نیم
- ۱۰۰۰ معراج الساده پانزده هزار
- ۱۰۰۰ قاموس سه تومان
- ۱۰۰۰ مجمع البحرین سه تومان
- ۱۰۰۰ زبدة المعارف دو تومان و چهار
- ۱۰۰۰ نسخه الزائر یک تومان

۱۰۰۳

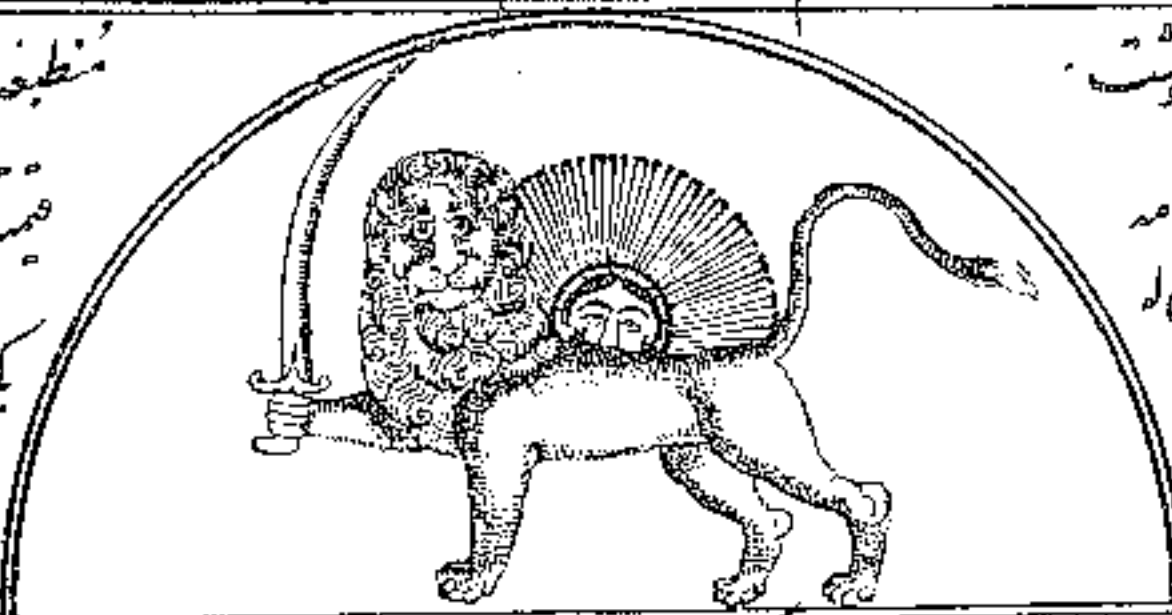
روزنامه قایم انفا و سراج یوم شنبه یازدهم ماه جمادی الاول مطابق سال اوایل ۱۲۷۰

نمبر صد و پنجاه و شش

قیمت روزنامه

یک نسخه به شماره یک

صفت چهار روز



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر اول چهار سطر

بسیار با هر سطر

اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در انجام خدمات محوله بحد لازم جد و جهد را بعمل آورده و خدمات او مقبول و مستحسن خاطر طوکانه افتاده بود لهذا درین اوقات نظر ظهور محنت شاهانه در باره مقرب انخاقان مشارالیه بکثرت کلچیه ابره ترمه لبطانه خراز طلبوس تن مبارک برسم خلعت در حق او عنایت گردید

در روز دوشنبه بیستم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح و تماشای شکار گاه اطراف دارالخلافه طهران سوار گردیدند و تا حوالی عصر در آن اطراف کا و تفریح و کشت و نموده نزد یک بقعه اقباب مبارکه سلطانی و مقر خلافت عظمی مراجعت نمودند

مقرب انخاقان آقا محمد حسن صند و قدر چون مسوول اوقات در انجام خدمات مرجوعه بحد و کمال استقامت و کفایت و کار دانی را معمول داشته و خدمات او مقبول و مستحسن خاطر طوکانه افتاده بود لهذا درین اوقات بملاحظه ظهور محنت و عنایت ملوکانه در باره مقرب انخاقان مشارالیه بکثرت لبطانه خراز طلبوس تن مبارک در حق او التفات فرمودند

چون مراتب خدمتگذاری و حسن ارادت و خلوص عقیدت مقرب انخاقان شیرخان ناظر دطر صدقت مشهور رای اقدس بملیون گردید و خاطر طوکانه را از سعی و استقامت در ان نظام خدمات مرجوعه بحد راضی و خورسند داشته بود لهذا درین اوقات بحسب امر اقدس اعلیحضرت پادشاهی بلقب جلیل و رتبت نبیل عین الملکی سرافراز و در ازای لقب بزرگ یک قطعه کل که مرصع از جانب سنی بجا ابراهیم و باو مرحمت عنایت گردید

افواج قاهره نظام سخته ای که در میدان شش برف و کل است مشورتشان نیست و لکن صاحب منصبان آنها همه روزه

درسم چنین مقرب انخاقان جهان سوز خان امیر خور

۱۵۰۴

در رسم دارالقون مشغول در س میباشند و بعد از فراغت  
از دارالقون باطاق نظام حاضر میشوند

چنانکه در هفتگه در روزنامه نوشته شد برای <sup>انگلیز</sup> دار

طهران باز بسیار برودت دارد اگر چه در خود شهر طرا  
در زمانی برنی که آمد چندان زیاد نبود و لکن در کوهپایه  
شیراز و دلت آنجا برف زیاد آمده است و حال میت  
روز میشود که برف در زمین است و عابرین و متردین  
که از اطراف می آیند هم میگویند که در هر طرف برف زیاد

از آنجا که منظور اولیای دولت علیه نظام امور و رفاه  
و آسودگی عموم رعایاست که از هر قسم و هر صنف باشند  
کارشان خوب از پیش برود و در هر باب مرفه  
آسوده خاطر باشند خصوصاً جماعت تجار که محافظت  
و نظم امور آنها بر دمت اولیای دولت قاهره است

لهذا درین معینه بجایگاه آقامهدی ملک التجار حکم نمودند  
که در روزهای معین در هر هفتگه اعیان تجار را در اطراف  
در کار و اسنای دولت جمع نموده در باب امور  
تجارتی مذاکره و مصلحت گامینه و روزنامه امور تجار  
و ترقی و تنزل حبس و هر متاعی را هفت هفتگه بنظر

اولیای دولت قاهره برسانند که رسم اگر احیاناً  
بکسی ظلم شده باشد در روزنامه هفتگه معلوم در  
دولت علیه رود در رفع ظلم آنها را گامینه و رسم که  
امور است تجارت هفتگه معلوم باشد که اگر از  
دیوان اعلی بافتضای وقت فراری لازم باشد

بگذارند و امید است که این قرار داد فایده کلی به تجارت  
تجار داخله و خارج بکند چنانکه امور تجاری <sup>این</sup> لجه  
انگلیز گاهی در روزنامه کزت انطباع یا بدسم بمالک  
محموسه و هم بدولت خارج میرود و عموم تجار را از  
امور تجاری استحضار حاصل میشود

### اعلان

در روز یکشنبه آینده که چهارم ماه جمادی الاول است  
اموال و متروکات موسیو چارلوطا معلم علم معین  
که درین روز فوت شده است در منزل خودش  
که در پشت بند دم در و ازه شمیران در نزدیکی خانیا  
مردار و سپهدار و شیرالدوله است براج میشود  
و ابتدای براج دو ساعت پیش از ظهر است

### سایر ولایات

آذربایجان در روزنامه این ولایت نوشته شد  
که چون نواب مستطاب هزاره و الایا تباشتمه اند  
حکمران مملکت آذربایجان در باب وجه نظام اهتمام  
تمام دارند که رود بوصول برسد قدغن کرده اند که تا  
حساب کهنه پرداخته نشود کسی بحساب تازه مدخلت  
نماید و همه حکام و مباحثین آذربایجان تاکید کرده  
نموده اند که از وجه نظام چیزی باقی نماند و همه را  
عاید عالیجاه میرزا نصر الله شکر نویس نمایند که با این نظام  
برسانند و عالیجاه جاج محمد خان که این روزنامه در دست  
لایحه است التزام نه هزار تومان وجه نظام را از

۱۰۰۵

او گرفته اند که چند روزه ایصال دارد

دیگر نوشته بودند که یک کشتی که تجار اردبیل و غیره در

او بودند تی بود که در روی دریا نامعلوم بود و نمیدانستند

در کجاست درین اوقات کشتی مزبور بسلاطین ساحل

رسیده و چند نفر از تجار اردبیل که در او نشسته بودند

صحیحاً سالم با و طمان خود رسیده اند

### مازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند لواء

مستطاب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران

انجام خدمات دیوانی استقامی کامل دارند از جمله نوکر

اشرف و توابعی و سورتی (شیخ کشتی) را که احضار بدر باجگاه

شده بودند تدارکات لازم آنها را تمام و کمال سرانجام

و سان آنها را دیده روانه رکاب حضرت مستطاب

داشتند و همچنین نوکر عمرالمو را تدارک دیده لیسر

استرآباد فرستاده اند و نوکر عرب را نیز تدارک

با خلوصی بار فروش فرستاده اند

دیگر نوشته اند که ناخوشی و با که در بار فروش (بازرود)

کرده و شدت بهم رسانده بود درین اوقات

کلی یافت است و بعضی مردم که از آنجا متفرق شده بودند

حال اطمینان از کم شدن ناخوشی مزبور بهم رسانده

و با و طمان خود مراجعت کرده اند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در مازندران

روز چهار شب بارندگی شدید شده و بطوری برف

آمده است که در شهر ساری و در بعضی جا بیای کناره

در باتانیم دزغ برف بزمین افتاده است و هوای آنجا

درین اوقات نهایت برود را دارد

### بروجرد و عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند <sup>علیخان</sup>

بختیاری هفت لک که بزرگی و شرارت <sup>مرد</sup>

بود در یکی از قلعه های سخت و صعب آنجا تحصن <sup>جسته</sup>

بقوافل و مترودین و غیره دست اندازی میکرد و

اهالی آن صفحیات از تعدیات او آسوده نبودند <sup>لواء</sup>

مستطاب شاهزاده والا تبار حشام الدوله خان <sup>میرزا</sup>

حکمران عربستان و بروجرد و بختیاری و مضافات

لواء ابراهیم میرزا نایب الحکومه عربستان را با <sup>سوار</sup>

بختیاری و باجلان و قوچ لرستان بگرفتن او <sup>مورد</sup>

موزده بودند مشارالیه بنیای خود سری و خیرگی <sup>گذاشته</sup>

نامه تی باطنیان و پست گرمی آن حصن حصین با قشون

ما موره جدال میکرد تا درین اوقات که کجی <sup>صل</sup>

و منکوب گردیده خود مشارالیه جنبهائی از آنجا <sup>فرا</sup>

کرده و سجان جناب شیخ جعفر مجتهد به بت نشسته و

قلعه مزبوره بتصرف قشون دولت علیه افتاده و

بعضی از کسان و عنوانان مشارالیه را که در دزد

و شرارت و قطع طرق با او همدست بوده اند <sup>مموده اند</sup>

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند <sup>مستطاب</sup>

شاهزاده والا تبار عماد الدوله بیچمه مزین <sup>شهر</sup>

خود قدغن کرده اند که هر شب با داروغه <sup>بهر یک</sup>

و فرانس همراه خود بر دوازده <sup>مشتول</sup>

بجای کتف و یک شهر <sup>مشتول</sup>

# فارس

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند چون قرار  
 نواب استطالب هزاره والاتبه رمویه الدوله طهارت  
 حکمران فارس بر فاه حال عابرین و مترودین و اینست  
 و انتظام راههاست لهذا درین اوقات مقرر داشته اند  
 که عالیجاه محمد ششم خان یوزباشی با جمعی غلام بیهرحه  
 آباده و اقلید و ایردخواست رفت و محافظت آنجا را  
 نمایند که قوافل و مترودین از تشویش دره و قطاع  
 فارغ و آسوده خاطر از آن راهها عبور و مرور نمایند و همچنین  
 عالیجاه فریدون خان توالی را با جمعی غلام مأمور نموده اند که  
 محافظت راههای سرحدات سمن کرمان و شهر بابک  
 نمایند و همچنین سایر راهها و سرحدات را که محل تشویش  
 عبور قوافل و مترودین بود مستحفظ و تقنی کرده  
 و فرستاده اند که محافظت آن راهها را نمایند و اگر  
 کسی در آن راهها بفرقه برود مقررات که مستحق  
 مورد مواخذة باشند و از غنیمت اموال مسروبه برآیند  
 و همچنین عالیجاه میرزا امادی خان جهری از جانب نواب  
 معزی الیه مامور صفحات لارستان گردیده که با تمام  
 امور آن صفحات مشغول باشد  
 دیگر نوشته بودند که در میت دویم ماه صفر مظفر نواب  
 استطالب مؤید الال و نه از شهر شیراز بیایغ لوکه در  
 خارج شهر است مکان کرده اند که از آنجا بکرمیرا  
 و بنا در است رفته با مور آنجا رسیدگی نمایند  
 و انتظام در کارهای آنجا باشد  
 دیگر نوشته اند که سابقا در شیراز رسم بود که هر

خلافت قاعده و بی حسابی و شرارت می نمودند  
 کرده به بقاع مستبر که امامزاده ما میرفت و بستگی  
 درین اوقات نواب استطالب هزاره مؤید الدوله  
 فرستاده خدام و عماله جات شاه چرخ و سایر  
 امامزادان را احضار فرموده و التزام از آنها گرفته  
 که اگر بعد ازین دزد و محارب و خونی و شریر و مفید  
 و کسی که مال دیوان را میخورند و بست میروند اگر  
 آنها را در بقاع مستبر که راه بدست مورد مواخذة باشند  
 زیرا که بست از بابت این بود که اگر کسی منطوم می شد  
 بعضی اوقات اتفاق می افتاد که بداد او میرسیدند  
 حالاکه سد اسجد در همه جا کمال عدل و انصاف در حق  
 مظلومین جاریست دیگر چه بقاع مستبر که وجه جانها  
 دیگر لرز می ندارد که مردم رفتن بست نشین باشند

# خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اردو  
 نواب هزاره والاتبه حاکم السلطنه والی خراسان که در وقت  
 بودند خبر رسیده بود که یکبار سوار قریابی که در نزدیکی  
 بودند خبر رفتن عساکر منصوره رسیده پس راه آنها اند  
 و در یکمتری مره بانها رسیده بودند و روز دیگر در مقام خود رسید  
 و جارت برآمدن بنای مجادله را که داشته بودند بیت نفر  
 از آنها مقتول چند نفر مجروح و زخمی شده بودند چون تا  
 معاومت عساکر منصوره را بنیاورده و در خود نشان استیصال  
 و مشکوبی مشاهده کرده بودند فرار بر فرار اختیار کرده مغلوب و شکست  
 مراجعت کرده و بعد از آن جهت آنها عساکر منصوره یک شب در کنار  
 آب مرده توقف کرده و صبح آفتاب داخل شده بود و اولاد استقبال از آنها

۱۰۰۷

### اخبار دول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید  
 عرّه ماه ربیع الاول بود از قرار یک نوشته اندکان داشتند  
 که در میان وزرای این ولایت تغییر و تبدیلی بشود  
 لایزال پارتین وزیر داخله از خدمت خود استعفا  
 بود و لکن بعد از چند روز خب حکم پادشاه باز برقرار  
 گردید و صحبتی بوده است که لایزال بر دین وزیر اعظم بنا  
 استعفا داشتند اما مشورتخانه از خوانین و  
 و کلامی رعایا بنور و مشورتخانه دولتی جمع نشده بود  
 و معلوم نبود که تا اول زمستان در پای تخت جمع شود

لایزال آفرینستان که یکی از خوانین انگلیس است درین اوقات  
 حکومت بنیانی هندوستان مامور گردیده و از زند  
 روان شده است که از راه فرانسه و مصر محل حکومت  
 خود برود

### فرانس

امپراطور این ولایت در عمارت سنت کلود بود  
 و بنا داشت در آنجا تا اول زمستان که ایام عید  
 فرنگیهاست توقف نماید  
 در فرانس بنا دارند که در سال آینده عمارتی بجهت  
 گذاشتن بنویسمتد و اجناس کل روی زمین برپا  
 نمایند مانند آنکه چند سال پیش ازین در لندن و امسال  
 در ایرلند برپا کرده بودند و در یکی دنیای شمالی نیز  
 بودند و عهده جات فرانس تدارک زیاده میدهند که  
 همه و اجناس خوب شایسته از هر ولایتی در آنجا جمع

نمایند و از دول خارج نیز اجناس با آنجا فرستاده  
 چینی که در روزنامه های چند وقت پیش ازین نوشته  
 که از روزنامه های فرنگستان ترجمه شده بود نیز میگرد  
 که با کمال اشتیاق است بروی او چرخ میچورد سبب آنرا  
 مناسبی که در چرخ الماس است میدانند در ملک  
 فرانسه زیاد مشغول چرخ دادن نیز باین طرز هستند

در ملک آنجا خبری که در تصرف فرانسه است نوشته  
 که قشون آنجا که نزدیک به آوران بودند با اعراب  
 آن سمت جنگ کرده بودند و از غنایم حاصله و چاه  
 کشته شده بود و از قشون فرانس متفرق و فرانسها  
 دولت و پنجاه قبضه تفنگ و نیزه و شمشیر و اسب و  
 چهار صد راس گوسفند و دولت کفر از دست اعراب  
 گرفته بودند

درین روزها اولاد لوی فلیپ پادشاه سابق فرانس  
 با نازی سینگ که موافق قاعده ارثی وارث تاج و تخت  
 فرانس است آشتی کرده اند اینها هر دو ادعای سلطنت  
 فرانس را میکردند و ایم الاوقات با هم میکرده اند  
 داشتند درین اوقات با هم آشتی کرده اند و اولاد  
 لوی فلیپ حق سلطنت نازی سینگ را از عیان نمود  
 مسلم داشته اند اگرچه تا بحال باین سبب آشتی  
 نشده است و لکن چونکه بعضی از مردم مایل به برقرار  
 اولاد پادشاهان قدیم هستند این که از شش باعث  
 ضعف دولت لوی ناپلیان بدانند



دیگر نوشته بودند که اهلای آن ولایت چند نفر دیده اند  
 که ناخوشی و با گرفتگی فوت شده اند خوف مردم درین  
 ناخوشی دو قسم است یکی آنکه زیاد میگویند مثلا اگر پنج نفر  
 از این ناخوشی بگریزند چاه نفر میگویند یکی دیگر اینکه از سر  
 بهدیگر میگویند که ناخوشی است و بودن ناخوشی را انکار  
 نمائیند و این هر دو خوف بیچکدام خیال عاقلانه نیست بلکه  
 کار عاقلانه آن است که بیپایگیزه نگاه داشتن شهر و کوهها  
 و خانهها و جایهای میان شهری و کوشش نمایند که ناخوشی  
 کمتر تأثیر بکند

درین روزها در مملکت فرانسه بعضی کمر کها که سابق از  
 اجناسی که از خارج می آوردند دریافت می شد کمتر کرده  
 خصوصاً در کمرکی که از دغال سنگی و آهن می گرفتند  
 از صاحبان معادن و صاحبان کارخانهای آهن و فولاد  
 در مملکت بلژیک این مرحله راضی شده بودند چون پیش ازین  
 این قسم اجناس با کمترین خرابی داخل فرانسه میشد و  
 این قسم اجناس از انگلیس که می آوردند کمترین  
 داشت حال از این اجناس که از انگلیس می آید کم  
 کم میگیرند

باز درین ولایت ارکانی که بکمان میگردند که خیال  
 برسم زدن دولت را دارند زیاد می گرفتند اما بعد از  
 تحقیق اکثر آنها را مستخلص میگردند اکثر مردم در فرانسه  
 راضی به دولت و سلطنت امپراطور لوی ناپلیان هستند  
 گله که حالا در فرانسه دارند از گرانفی نند و آذوقه است  
 و آنها نیز اکثرشان درست جنوب آن مملکت هستند  
**اسپانیول**

ما بین امنای دولت این ولایت و امپراطور انگلیس گفتگویی  
 شده است در خصوص اینکه از راه عداوت دینی که  
 اهل اسپانیول با اهل انگلیس دارند قویتر یکی از اهل انگلیس  
 در آن ولایت فوت می شد نمی گذاشتند که موافق قاعده  
 خود انگلیس او را دفن نمایند و نیکه است که انگلیسها  
 در آن ولایت جانی بجهت قبرستان خودشان بخرند که  
 قبرستانشان علامه باشد با اهل اسپانیول عیسوی اند  
 مذمب کتولیک و اکثر اهل انگلیس عیسوی اند از مذمب  
 پراتند و کتولیک با پراتنت عداوت تمام دارند

حال درین باب عهدنامه بسته اند و قبرستان علیحد  
 گرفته اند بجهت دفن کردن اهل انگلیس که در آن مملکت میباشند  
 و اذن داده اند که گیش انگلیس موافق قاعده خود این  
 اموات آنها را دفن نماید و لکن یک شرط این عهدنامه  
 این است که گیش در میان کوه بیاس کیشی نباشد  
 و در کوه بیاس او مانند بیاس بر خلق باشد  
 بیاسی که مخصوص کیش است و نیکه قبرستان بیاس  
 در آنجا پوشیده و در قبرستان انگلیسها نیز باید پوشیده  
 کشیده شود و در آنجا موافق قانون خودشان اموات  
 خود را دفن نمایند

ایطالی  
 یکی از راههای آهن که ما بین شهرهای طورین و رنوا ساخته  
 کم مانده بود که با تمام برسد تا بحال راه آهن که بجهت تردد  
 کالسکه بخار و عرابه با کیش می ساختند معمول بود که  
 همواره وسطی باشد و اگر سر اشیب یا سربالابود  
 چرخ بخار کار نمیکرد اما این راه را ارتفاع داده اند

۱۰۰۹

قرار بیت وشت در زرع یکدفع که در هر بیت وشت  
 زرع و نیم مسافت یکدفع ارتفاع داده اند و تا بحال  
 راه آهن که این طور بالا برود ساختن بودند چه استخوان  
 شش کالک را که بر از یک ماسه کرده بودند  
 بستند و وزن آنها صد و شصت و شش خرد بود و وزن  
 بود و اینها را بدو چرخ بخار بستند و وزن این دو چرخ  
 با ذغال سنگی و آب که در میان شان بود شش  
 خود را بود اینها را بر راه مزبور انداختند و بیلا و در  
 ساعت چهار فرسخ و نیم بلکه پنج فرسخ مسافت طی کرده  
 چون راه مزبور تازه بود و قدری رطوبت داشت  
 و استند و قتی که چرخ بخار ازین مسم تندتر  
 بود و راه آهن دیگر هم در فرنگستان که جنلی

ارتفاع دارد راهی است در مملکت استری که سترنگ  
 میمانند اما در آن راه در هر چهل زرع مسافت یکدفع  
 ارتفاع داده اند با بجله و قتی که این راه مابین شهر  
 طویین و رنو با تمام برسد و کشود شود کان دارند  
 که کل سیاهان فرنگستان که مابین فرانسه و ایتالیا  
 تردد می کنند این راه عبور و مرور نماید

**سینکی و نیامی شمالی**

در روزنامه سینکی و نیامی شمالی نوشته اند که گفتگویی  
 مابین دولتین انگلیس و اسپانیا نول شده بود در باب  
 موقوف کردن خزید و فروش و نگاه داشتن غلام و کنیز  
 سیاه در جزیره کوبه که میخواستند قرار بدهند که  
 هر سه با نولایت آورده اند بعد از ده سال از ادب  
 و بعد از پنجاه سال قاعده غلام و کنیز نگاه داشتن

بالمره موقوف باشد و لکن این عهدنامه تا بحال جاری  
 نگرفت است سبب اینکه رسیدند که اگر این عهدنامه  
 بشود انگلیسها تسلط زیاد در آن جزیره بهم برسانند

کشتی از ولایت انگلیس به نیویارک سینکی دنیا رسید  
 بود و در آن کشتی صد نفر از ناخوشی و بامرده بودند  
 و قتی که کشتی با بخار رسید شصت نفر ناخوش در میان  
 او بودند و درین ایام که این ناخوشی در ولایت انگلیس  
 بروز کرده است معلوم شده است که در روی کشتی که  
 جمعیتش زیاد و جایش تنگ است این ناخوشی نسبت  
 با آنها که در میان کشتی می نشینند بیشتر است می کنند

کلی از اهل نیویارک که کارخانه کشتی سازی دارد و  
 کشتی خوب و تیز رو ساختن متعهد شده است که بجهت  
 دولت روس کشتی بسازد با چرخ بخار بزرگی کشتی  
 نه هزار خردوار بارگیر داشته باشد و صد عاوه نوب در  
 میان آن باشد و دو چرخ بخار داشته باشد که در  
 چرخ روز پانصد اسب با و کشتی مزبور را قرار گذاشته اند  
 که تا مدت دو سال تمام نماید

تشریح در میان جنگلهای در و اطا افتاده بود مسوز  
 و نزد یک بقصبه آنجا آمده بود و چمن و نی زار و درختها  
 جنگلهارا همه سوزانده بود و شدت تمام داشتند

**هندوستان**

در روزنامه این ولایت در خصوص جنگ برمه نوشته اند  
 که چند وقت پیش ازین خیال میکردند که جنگ این

۱۱۰

تمام شده است و لکن حال معلوم می شود که اهل بربره و  
 جنگ را بر پا کرده اند و میگویند که چاکران دولت بر  
 پادشاه آنجا زور آورده اند که دوباره با قسطنطنیه  
 جنگ کند جنگ بزرگی در این اوقات در مملکت مینور  
 شده است و لکن دست و زردان که چو و ناختمی کنند  
 از اهل آن ولایت زیاده و یک سبب زیاد شدن  
 زردان مینور این است که بجهت قسطنطنیه رعایای آنجا  
 که محصول خود را جمع نمایند بی چیز شده اند و از آنجا  
 میروند و در هر جا و مرجه بستان می افتد ناختمی و غارت

### بنام خدا احوال مشرق

از جمله اتفاقات غریب که بجهت ترکیه این چرخ بخار درین  
 اوقات اتفاق افتاده است نوشته اند که در یکی از شهرهای  
 ولایت آنجلس دیک چرخ بخار ترکیه بیکبار مانند کوز  
 مکان بجهت بستن کرده و دیوار خانها را سوراخ کرده و کلاه  
 بخار فرو نشاند دیک مینور چهار ذرع طول و یک ذرع نیم  
 قطر داشت و بسیار هم محکم ساخته بودند اما کهنه شده  
 و میخواستند عوض نمایند و قشک ترکیه دیوار را که نزدیک  
 او بود خراب کرده از کوچ گذشت و بلبله خورده او را  
 شکافه گذاشته و بخار نشسته خانهای آنجا همه دیوارشان  
 از سنگهای بزرگ است که با آب میانی می کشند و نه با  
 استحکام و تانته اند کسی که در آن کوچ بوده و دیده بود  
 میگفت است که دیک مینور وقتی که از کوچ رود شده  
 کلوله بود که از توپ بیرون بیاید

پادشاه بزرگ بعضی از پردای نقاشی مشهور این ایام را داد

که بسیار گرانها هستند و قیمتشان زیاد است این  
 پردا را بولایت آنجلس فرستاده بود که مردم تاشکانت  
 اول در شهر دبلین پای تخت ایران گذاشته بودند و بعد  
 از آن یکماه در لندن نگاه داشته بودند که مردم تاشکانت  
 نمایند و نقاشان از روی آنها می کشند

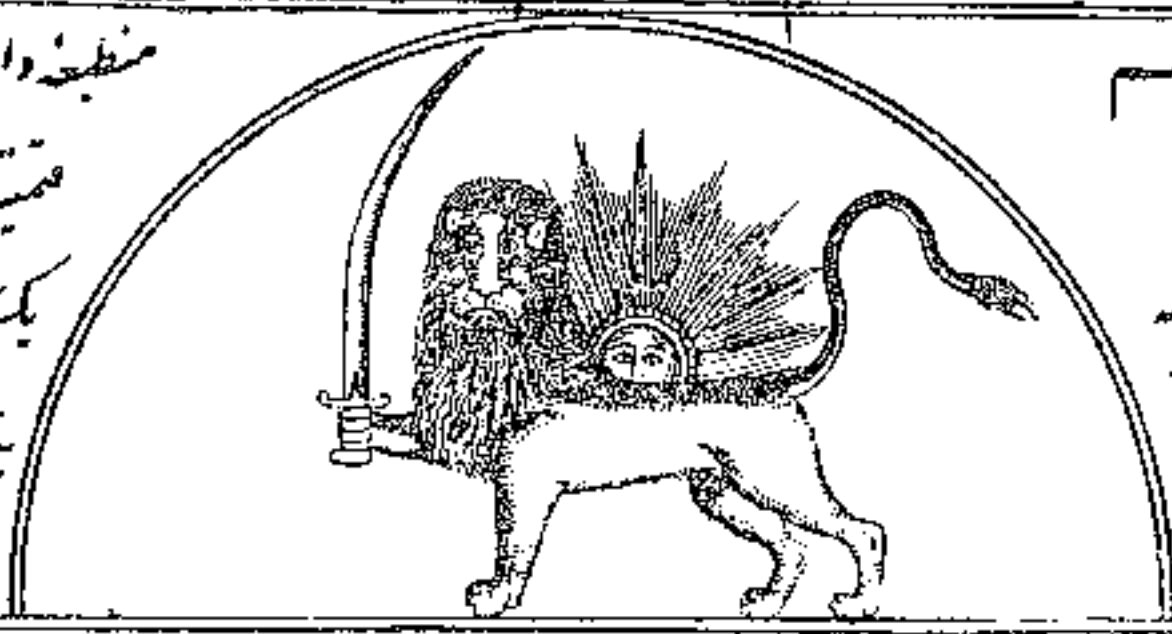
در سمت کره شمالی ارض که بحر منجمد در آنجا است در اوقات  
 چند ماه شب است و اقیانوس هیچ طلوع نمی کند و شب  
 رنگارنگ در روی هوا پیدا می شود درین اوقات شب  
 این طور در شمالی غریب مسم در ولایت آنجلس مسم  
 در ولایت فرانسه دیده اند و سبب او را تا بحال کسی  
 نفیض است

چون درین اوقات در ولایت آنجلس نان نسبت قیمت  
 سابق قدری گران شده است بنا گذاشته اند که نان  
 از برنج و کندم ترکیب نمایند باینطور که از سیر برنج را در  
 میان آب میجوشانند و بعد از جوشیدن میگویند و درین  
 چهار سیر آرد کندم با مخلوط می نمایند و خمیر مایه زده میگذارند  
 تا بالا بیاید و بعد از آن نان می پزند و چهار من و نیم نان  
 از اینقدر آرد کندم و برنج حاصل میشود و چون این طور نان  
 پختن را دیده اند که از نانی که از آرد کندم خالص پخته  
 زیاد تر ریح می کنند کمان دارند که بسیار بکار فقره بسیار  
 علاوه بر این که بسیار خوش طعم و سفید پخت

در روزنامه هندوستان نوشته اند که جنگ در مملکت چین باز بود  
 و میگفتند که خاقان چین که ریخته و میان طایفه تانگستان  
 رفته است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه سیزدهم ماه جمادی الاول مطابق اول ذی القعدة ۱۲۷۰

مره صد و پنجاه و نهم  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده بریکاله  
حکایت چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر از چهار سطر یک هزار  
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه سیزدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی  
تفرج و گشت سمت قصر قاجار و آن اطراف سوار شدند  
تا نزدیک عصر تفرج و سیاحت آن اطراف مشغول بودند  
زودیک بغروب آفتاب مبارک مبارکه سلطانی حضرت  
دستم چنین روز دوشنبه پانزدهم نیز گشت نگارگان  
که همای پشت دوشان پنه و آن اطراف سوار شده و  
تا حوالی عصر مشغول تفرج و شکار و گشای آن صفحات  
بوده زودیک بغروب آفتاب بسلطنت عظمی حضرت  
در روز یکشنبه چهاردهم این ماه اعلیحضرت قوی گشت  
پادشاهی از راه کمال حرمت و التفات در حق مقرب  
نظام الملک اوراد و سلام عام بقلب جلیل جناب  
بشخص و وی می مخاطب فرمودند و منصب ارجمند  
عظمی و وزارت نواب مستطاب و لیعهد دولت  
برای مزید افتخار را اعتبار جناب نظام الملک

و بلفظ مبارک فرمایش کردند که امالی ایران بنوعی که  
از جناب صدر عظم اطاعت می کنند من بودند  
تفاوت از جناب معزی البه اطاعت نمایند و شرف  
احترامی که از جناب معظم البه میگردند از جناب معزی البه  
بجمل آورند و درین باب دستخط مبارک که اشرف از  
فرمان های یون است بعلاوه فرمان حرمت بنیان شرف  
صدر ریافت و سواد دستخط های یون این است که درین  
ورق ثبت شد  
چونکه جناب صدر عظم از بند و مأموریت منصب صدای  
الی حال آنی از خدمات دولتی فارغ نبودند و زحمات  
کثیره شب و روز متحمل بودند و بحق تا بحال در ترقی و شکوه  
و آبادی مملکت و دولت کار را بطور رسانیده که در هر  
بجای کس نگردد بود بنا بر این خدمات و زحمات همواره  
نظر پادشاهانه است که التفات و حرمت جدید در حق  
ایشان بطور رسانیم و از برای اینکه قدری از خدمات  
و زحمات آسوده باشند و فکر و خیال خود را با سودگی  
مشغول انجام مهم امور خطیره و منافع کثیره دولت نمایند

۱۰۱۲